



انسئل

ماهنامه انسئل

سال چهارم شماره ۳۷ فروردین ۲۵۸۵



Anselmagazine



21 03 2026 04 37

# در این شماره خواهید خواند:

جستار روز ۲ آغاز سخن ۳

آنگاه که یک مردم‌سالاری نوپا آزموده شد (اسپانیا) ۴ فرتورهای ویژه نامه‌ی نوروزی – بخش یکم ۳۰

شکوفه عبدی، فرتورگری که در میانه‌ی خیزش مردمی در ایران، جاویدنام شد ۳۳

گذار، آشتی میهنی و فرتورها (آفریقای جنوبی) ۳۴ فرتورهای ویژه نامه‌ی نوروزی – بخش دوم ۴۰

روبینا امینیان، از هنرآموزی تا مرگ، از جهان فرتور تا جاویدنامی ۴۳

بخش نگارگری ۴۴ کره‌ی جنوبی ۱۹۸۷ و گذار به یک مردم‌سالاری پایدار ۴۵

فرتورهای ویژه نامه‌ی نوروزی – بخش سوم ۵۰ نوروز و یاد جاویدنامان خیزش میهنی ایران ۵۳ فرتورداستان ۵۴

فرتورهای ویژه نامه‌ی نوروزی – بخش چهارم ۵۵ شیلی، روشنایی در مرز تاریکی ۵۸

فرتورهای ویژه نامه‌ی نوروزی – بخش پنجم ۶۲ نویسندگان، همراه با فرتورگران ۶۵ بخش سینما و فرتورگری ۶۸

نوروز بر مزار جاویدنامان راه آزادی میهن ۷۳ فرتورهای ویژه نامه‌ی نوروزی – بخش ششم ۷۴

فرتور ویژه ۷۶ به یاد جاویدنامان حمید مهدوی و جعفر جاویدی ۷۸

---

[www.anselmagazine.com](http://www.anselmagazine.com)

---

سردبیر: رضا تجویدی

با سپاس از هنرمندهای گرامی: محسن راستانی، حسن غفاری، عباس عربزاده، جمال رحمتی

دبیر مستند اجتماعی: حسن غفاری نگارگر رویه ماهنامه: کارگروه هنری ماهنامه‌ی انسل

نگاره‌ی رویه‌ی نخست: بانو شیرین عبادی Bengt Oberger / CC BY-SA 4.0 نگاره رویه‌ی پشت: انعکاس، rpportfolio

همکاران این شماره: اسحاق آقایی، صادق رودشتی، شهین صادقی، سوسن زارع، مجید حلوائی، ستاره صمدی، سوگل غفاریان، محمد امین شفیعی، مینتا سمیعی، علی آذر، سروش صالحی، امیرعلی نواده شهلا، فرید آزادی، امید مهاجر، شهین باخویشی، سودابه عربزاده

پیوندها: @anselmagazine / [info@anselmagazine.com](mailto:info@anselmagazine.com)

بهره برداری از گفتارها و نگاره‌های ماهنامه انسل، تنها پس از هماهنگی و پذیرش، شدنی است.

# جُستارِ روز

سرانجام، فراسیدنِ روزِ تاریخیِ یک مرگ: غمِ پیروان، شادیِ مردم



# آغازِ سُخُن

نوروز و آغازِ بهاری دیگر فرا رسید؛ هرچند که امسال، این نو شدن، رنگ و بوی دیگری دارد.

زمانی دراز از آن رویدادِ سهمگین و غم‌بار نگذشته است؛ از به‌خون‌غلتیدن هزاران هم‌میهن نیک‌نهاد که در راهِ آزادی و رهایی از بندِ خودکامگی، جانِ ارجمندشان را از دست دادند و سوگی ژرف بر دلِ ایران و ایرانیان نهادند.

سال تازه، افزون بر این سوگِ میهنی، در میانه‌ی جنگی سرنوشت‌ساز آغاز می‌شود؛ جنگی که نه برآمده از آرزوی ما، که برخاسته از ناگزیری یک گذار است، گذار از خودکامگی، ناکارآمدی و تاریکی به سوی مردم‌سالاری و آینده‌ای روشن‌تر.

ایران در درازنای تاریخ بارها زخم خورده است و هر بار، چون ققنوسی از خاکستر خویش برخاسته و به ارج و شکوهی تازه دست یافته. بهار، نماد این زایش دوباره است؛ و امید آن را داریم که از دلِ این رخدادهای تلخ و دشوار امروز، ایرانی نو و شکوهمند سر برآورد.



در این شماره، در نوشتارهایی گوناگون به جُستار ارزشمند «گذارِ سیاسی» در پیوند با فرتورگری پرداخته‌ایم و تلاش کرده‌ایم تا نمونه گذارهای سیاسی کامیاب در تاریخ نوین جهان را برای نکته‌آموزی در چارچوب نوشتارهایی کوتاه بیاوریم.

بخش برجسته‌ی دیگر در این شماره، همان برنامه‌ی هر ساله‌ی ماهنامه‌ی انسل است. در ماه‌های پایانی سال، فراخوانی برای ویژه‌نامه‌ی نوروزی منتشر می‌شود و از شما خواسته می‌شود تا بهترین فرتوری را که در سال گذشته گرفته‌اید، همراه با نوشته‌ای کوتاه برای ما بفرستید تا در این ویژه‌نامه بازتاب داده شود.

هدفِ نخست ما از این کار، آزمودن راهی تازه برای یک جَشنواره‌ی هنری است. جشنواره‌ای بی‌هماوردی و بی‌برنده و بازنده! به سخنی دیگر، ما فرتور برتر را شناسایی نمی‌کنیم و داوری را به خودِ فرتورگران می‌سپاریم؛ آن‌گاه که در میان کارهای یک‌ساله‌ی خویش، داوری می‌کنند و بهترین کارشان را برمی‌گزینند.

دیگر خواسته‌ی ما، دیدن روندِ پیشرفت و بهبود کار فرتورگران فارسی‌زبان در گذر زمان است؛ چرا که همه‌ی کوشش ما در ماهنامه‌ی انسل، در همین راستاست.

با این همه، امسال، در پیامدِ رخدادهای پیش‌آمده، فرستادن فرتور (به‌ویژه برای فرتورگرانِ درون ایران)، سخت یا نشدنی شده بود. فرتورهای که به دستمان رسیده را در این شماره گنجانده‌ایم و افزون بر این ویژه‌نامه، هماهنگ با درون‌مایه‌ی شماره‌های آینده، برای برگزیده‌هایی از آنها، نوشتاری ریزبینانه و واکاوانه خواهیم نوشت.

رضا تجویدی، فروردین ۲۵۸۵

ماهنامه انسل شماره ۳۷

# آن‌گاه که یک مردم‌سالاری نوپا آزموده شد:

## فرتورگزارشی از کودتای نافرجام ۱۹۸۱ در اسپانیا



### 23 F Cronología del intento de Golpe de Estado del 23 de febrero de 1981 en España (I). 23F Chronology of a Coup Attempt on february the 23<sup>RD</sup> 1981 in Spain (I).

**29 de Enero de 1981 / January 29 1981.**  
El presidente del Gobierno, Adolfo Suárez, anuncia su cese a través de un mensaje por radio y televisión. Ponia fin a un año de desgaste político y de crispación social.  
President Adolfo Suárez announces his resign through radio and television. It ended a year of political wearing and social tension.

**23 de Febrero de 1981. 18:23 h. February 23 1981. 18:23 h.**  
El teniente coronel de la Guardia Civil, Antonio Tejero, irrumpe en el Congreso de Diputados, en Madrid, al frente de 200 guardias civiles mientras se votaba la investidura de Leopoldo Calvo Sotelo como nuevo presidente del Gobierno.  
Guardia Civil Lieutenant Colonel, Antonio Tejero, breaks in the Congress of the Deputies, in Madrid, leading 200 civil guards during the voting to invest Leopoldo Calvo Sotelo as a new president.

**19:00 h.** En Valencia, el capitán general de la III Región Militar, Jaime Milans del Bosch, asume todos los poderes civiles y militares mediante un bando. In Valencia, Jaime Milans del Bosch, General Captain of the 3rd Military District assumes all civilian and military powers in a proclaim.

**19:15 h.** Los asaltantes dejan salir del Congreso a los civiles y funcionarios, y minutos después a los periodistas. Raiders let civilians and civil servants out of the Congress of Deputies, and minutes later, the reporters are released.

**19:30 h.** Por orden del general Milans del Bosch, se produce el despliegue en Valencia de la División Maestrazgo, con medio centenar de carros de combate y unos 1.800 efectivos, en la denominada "Operación Turia". Al mismo tiempo, tres escuadrones con blindados, procedentes del acuartelamiento de Retamares en Madrid, ocupan las instalaciones de la Radio y Televisión de España (RTVE). Televisión Española alteró su programación y Radio Nacional empezó a emitir marchas militares. Following general Milans del Bosch order, the Maestrazgo Division is deployed, with 50 tanks and nearly 1800 men in the so called "Operación Turia". Simultaneously three tank squadrons, from the Retamares barracks in Madrid, occupy the Spain's Radio and Television (RTVE) buildings. Spanish Television changed their program and Radio Nacional began to emit military marches.

**20:00 a 20:30 h.** Tejero ordena la salida y reclusión en diversas dependencias del Congreso de Adolfo Suárez y el vicepresidente primero y general Manuel Gutiérrez Mellado. También son confinados el presidente del partido gobernante Unión de Centro Democrático, Agustín Rodríguez Sahagún, los secretarios generales del Partido Socialista, Felipe González, y del Partido Comunista, Santiago Carrillo, y el vicesecretario general de los socialistas, Alfonso Guerra. Tejero orders the exit and reclusion in different places of the Congress of Adolfo Suarez and the first vice-president and general Manuel Gutiérrez Mellado. He also confined president of the governing party, Union de Centro Democrático, Agustín Rodríguez Sahagún, the general secretaries of the Socialist and Communist parties, Felipe Gonzalez and Santiago Carrillo, and the general vice-secretary of the socialists, Alfonso Guerra.

**21:00 h.** Se retiran las fuerzas militares instaladas en la Televisión. El director de la Seguridad del Estado, Francisco Laina, lee un comunicado en televisión en el que anuncia que se ha constituido un gobierno provisional democrático con los subsecretarios de todos los ministerios y presidido por él mismo. The military troops installed in the Television buildings back off. The Security director of the State, Francisco Laina, reads a communique in which he announces that a provisional democratic government has been constituted with the sub-secretaries of all the ministries and presided by himself.

**21:30 h.** La Junta de Jefes de Estado Mayor, reunida en sesión permanente, aplicó diversas medidas para mantener el orden constitucional. El Consejo General del Poder Judicial, que también se había reunido, ofrece su apoyo al Rey y su respeto a la Constitución. The Assembly of Military Chiefs of Staff, gathered in permanent session, applied several means to keep constitutional order. The General Council of the Judicial Power who had also gathered offered their support to the king and their respect for the constitution.

**22:30 h.** Tejero entra en el hemiciclo del Congreso y dice "¡Guardias! La II, III, IV y V Región Militar han dicho sí al teniente general Milans del Bosch como Presidente del Gobierno". Tejero enters the Hemicycle of the Congress and says "Guards! The 2nd, 3rd, 4th and 5th Military Districts have said yes to lieutenant general Milans del Bosch as President."

**23:50 h.** Entran en el Congreso el segundo jefe del Estado Mayor del Ejército, general Alfonso Armada, y el director general de la Guardia Civil, general José Luis Aramburu Topete, para entrevistarse con Tejero. Aramburu abandona poco después la Cámara mientras Armada permanece en su interior. Second Chief of Staff, general Alfonso Armada and the general director of the Guardia Civil, general José Luis Aramburu Topete, enter the congress to interview Tejero. Aramburu leaves the Chamber while Armada stays inside.

در تاریخ گذارهای سیاسی، رویدادهایی پدید می‌آیند که شاید در پیامد آنها، آینده‌ی یک کشور برای همیشه بگونه‌ای دیگر ساخته شود. ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ در اسپانیا یکی از همین رویدادهای سرنوشت‌ساز رخ داد؛ روزی که مردم‌سالاری نوپای این کشور با آزمونی سخت روبه‌رو شد.

در آن روز، در اسپانیا تنها شش سال بود که سایه‌ی سنگین دیکتاتوری «فرانسیسکو فرانکو» برداشته شده بود و کشور داشت راه دشوار گذار به مردم‌سالاری را می‌پیمود. در آن سال، نهاد مردم‌سالاری در اسپانیا هنوز شکننده بود و نیروهای وفادار به فرمانروایی فرانکو هم چنان در ارتش و نیروهای سازمانی کشور سرگرم کار بودند. در چنین زمانی، ناگهان پارلمان اسپانیا پهنه‌ی یکی از ویژه‌ترین رویدادهای تاریخ نوین اروپا شد.

## آن‌گاه که مهستان اسپانیا، میدان نخست رویداد شد

نیم‌روز ۲۳ فوریه، نمایندگان مهستان اسپانیا در شهر مادرید برای برگزیدن نخست‌وزیر تازه گرد هم آمده بودند که ناگهان دویست نفر از نیروهای ارتش درون شهری به فرماندهی «سرهنگ آنتونیو تِخرو (Antonio Tejero)» به درون پارلمان یورش آوردند. سرهنگ تجرو با تفتگی که در دستش داشت، فریاد زد: «هیچ‌کس تکان نخورد!» و سپس، تیرهایی به سقف شلیک شد.



با این رویداد، گستره‌ی مردم‌سالاری نوپای اسپانیا، به کارزاری از گروگان‌گیری و شورش دگرگون شد. بسیاری از نمایندگان روی زمین خوابیدند. اگرچه، در میان آنها چند چهره هم بودند که بی‌هیچ هراسی سر جای خود ایستادند؛ یکی از آنها، نخست‌وزیر پیشین، «آدولفو سوارز» (Adolfo Suárez) و دیگری، سیهد مانوئل گوتیرز ملادو (Manuel Gutiérrez Mellado) بودند که در برابر کودتاجیان ایستادند. این واکنش قهرمانانه در تاریخ سیاسی جهان، نمادی پرآوازه از پایداری برای مردم‌سالاری شد.

## هجده ساعت سردرگمی برای مردم‌سالاری

با آغاز این رویداد، اسپانیا نزدیک به هجده ساعت دشوار را در روند مردم‌سالاری نوپای خود آزمود. مهستان در دست کودتاجیان بود و کسی نمی‌دانست که سرنوشت کشور به چه سویی خواهد رفت. در همین زمان، در شهر والنسیا، تانک‌ها به خیابان آمدند و بخشی از ارتش نیز به کودتا پیوست. خواسته‌ی آنها پایان دادن به مردم‌سالاری و بازگرداندن فرمانروایی به ارتش بود.

لیک، در پایان، آنچه سرنوشت این رویداد دشوار را به سوی درستی برگرداند، نه ارتش که ارزش والای نهاد تازه و مردم‌سالار بود.

## نقش پادشاه در شکست کودتا

نیمه شب همان روز، پادشاه اسپانیا «خوان کارلوس یکم» ( Juan Carlos I ) در یک پیام رسانه‌ای در برابر چشم همگان نمایان شد و از ارتش خواست تا از قانون بنیادین کشور پاسداری کند و دست از پشتیبانی از کودتاچیان بردارد. این سوگیری تاریخی پادشاه، درستی کار کودتاچیان را با پرسشی بنیادین روبرو کرد و زمینه‌ای را فراهم ساخت تا بخش بزرگی از نیروهای ارتش از آنان پیروی نکنند. بامداد روز پسین، دیگر کودتا شکست خورده بود و مهستان از دست آنان آزاد شد.

با این سرگذشت، آنچه که داشت زمینه‌ی پایان دادن به مردم‌سالاری نوپا در اسپانیا را می‌چید، چیزی در برابر خودش شد و آزمون بزرگی شد تا نهاد مردم‌سالاری اسپانیا به پایداری بهتری برسد.

## فرتوری که یک روز تاریخی را یادمان کرد



در میان فرتورهای گرفته شده در آن روز، یکی از آنها، نمادی برجسته برای این رویداد شد: فرتوری از دمی که سرهنگ تخریو با تقنگی در دست به درون مهستان آمد و در برابر نمایندگان فریاد زد. این فرتور به دست فرتورگر خبرگزاری EFE ، «مانوئل پرز باریوپدرو (Manuel Pérez Barriopedro)» گرفته شد و در آینده، پاداش جهانی بهترین فرتور خبری را هم از آن خودش کرد .

نیرومندی این فرتور تنها در برداشت دمی درست در یک رویداد تاریخی نیست. این فرتور به‌راستی چهره‌ی هراس و دلیری، دشواری و پایداری را در یک چارچوب در کنار هم نشان می‌دهد؛ نمایندگانی که از هراس روی زمین خوابیده اند و کسانی که با دلیری ایستاده اند.

## آنگاه که یک فرتور یادمانی همگانی می‌شود

فرتورهای کودتای ۲۳ ف امروز بخشی از یادمان تاریخی کشور اسپانیا هستند. سوراخ‌های گلوله در سقف پارلمان هنوز دست‌نخورده نگهداری شده‌اند تا یادآور آن دمی باشند که مردم‌سالاری در آستانه‌ی فروپاشی بود، لیک، با کامیابی از سر گذشت.

در این‌جا، نقش فرتورگری فراتر از خبرنگاری است، چرا که فرتورها گواه‌های یادمان سیاسی همگانی می‌شوند؛ گواهی‌هایی که نشان می‌دهند مردم‌سالاری چگونه می‌تواند با دشواری روبرو شود، لیک، پایداری کند.

## درس یک گذار

گذار به دموکراسی هیچ‌گاه راه ساده‌ای نیست. آنچه اسپانیا آزمود، نشان می‌دهد که چه‌بسا، پس از فروپاشی یک فرمانروایی زورمند، باز هم هراس بازگشت آن هم‌چنان پیش‌روست. با این همه، همان‌گونه که کودتای ۱۹۸۱ در اسپانیا نشان داد، پایداری یک مردم‌سالاری نوپا به نهادها، پذیرفته بودن منشی سیاسی و خواست مردم آن کشور بستگی دارد.

دموکراسی اسپانیا نه در روزهای آرام، که در زمانی که با دشواری روبرو شد، توانست به درستی گذر کند و پایدار شود.

## فرتورگری و زمان‌هایی سرنوشت‌ساز

برای فرتورگران راستینه‌نما، چنین زمان‌هایی یادآور نیروی نگاره در برداشت تاریخ جهان هستند. در چارچوبی برابر با آنچه از چشمی دوربین دیده می‌شود، دمی‌هایی برداشت می‌شوند که در آینده نشانه‌های ارزشمندی برای شناختن یک زمانه می‌شوند.

فرتورگزارش کودتای ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ در اسپانیا که در دنباله این نوشتار آورده می‌شود، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه هنر فرتورگری می‌تواند از دل دشواری‌ها، روایتی ماندگار از پایداری مردم‌سالاری بیرون بکشد.

کار گروه هنری ماهنامه انسل

اسفند ۲۰۸۴



## آدولفو سوارز

آدولفو سوارز یکی از چهره‌های کلیدی در زمان گذار سیاسی در اسپانیا بود. او که در سال ۱۹۳۲ در چبرروس (آویلا) زاده شد، آموزش خود را در رشته‌ی دادرزی (حقوق) به پایان رساند. او فرماندار سگوویا، سرپرست نخست رادیو و تلویزیون اسپانیا و دبیر و نماینده‌ی تنها گروه سیاسی در زمان فرانکو و از آن دسته کشوردارانی بود که پس از مرگ فرانسیسکو فرانکو به کشورداری پرداخت. از زمان گزینش او در جایگاه «نخست وزیر» در سال ۱۹۷۶ تا زمان درخواستش برای واگذاری این جایگاه در سال ۱۹۸۱، سامان سیاسی اسپانیا را با چند دگرگونی ژرف، آیین‌مند و مردم‌سالار کرد. او در جایگاه رهبر «اتحادیه‌ی مرکزی دموکراتیک» (UCD) در همه‌پرسی قانون‌گذاری در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ پیروز شد. در زمان سرپرستی او، گروه‌های سیاسی سامان گرفتند، قانون بنیادین تازه‌ی کشور پذیرفته شد و پیمان‌نامه مونکلو برای پایدار کردن سامان سیاسی همگانی بسته شد.

چند رویداد، مانند دشواری‌های اقتصادی و درگیری جنگ افروزان‌هی گروهک‌هایی همچون جنگ‌جویان باسک در شمال کشور که خواستار گسست سرزمینی از اسپانیا بودند، زمینه‌ی درخواست کناره‌گیری او از جایگاه نخست‌وزیری را در ۲۹ ژانویه ۱۹۸۱ پدید آورد. در زمانی که در مونکلو بود، با دو تلاش برای کودتا، "یورش کهکشانی" و یورش به مهستان در ۲۳ فوریه، در همان روزی که می‌خواست جایگاهش را به «لئوپولدو کالوو سوتلو» بسپارد، روبرو شد. پس از آن، او گروه سیاسی تازه‌ای برپا کرد، هرچند که شکست‌های پیوسته در همه پرسی‌ها، او را به آنجا رساند که در سال ۱۹۹۱، به جهان سیاست بدرود گفت و خود را بازنشسته کرد. آدولفو سوارز در ۲۳ مارس ۲۰۱۴ درگذشت.



مردم در خیابان‌های شهرهای اسپانیا، سخنرانی نخست‌وزیر آدولفو سوارز را که دارد کناره‌گیری خود را آگهی می‌دهد، تماشا می‌کنند.

لئوپولدو کالوو سوتلو، مایه‌ی آسودگی سوارز بود.

لئوپولدو کالوو سوتلو پس از پیشنهاد آدولفو سوارز برای جانشین شدن، راهبری کشورداری را به دست گرفت. او وزیر، دستیار و دستیار دوم نخست‌وزیر در اقتصاد بود. در نشست همگانی ۲۲ فوریه در مهستان، او در نخستین همه‌پرسی، نتوانست پیروز شود و زمانی که همه‌پرسی دوم روز پسین انجام می‌شد، سرهنگ دوم، آنتونیو تخرو کودتا کرد.





### کودتاجی‌ها

آلفونسو آرمادا و کومین (۱۹۲۰-۲۰۱۳)

سرلشکر ارتش، او مردی بود که شورشی‌ها برای کشورداری برگزیده بودند. نقش او در کودتا زمانی روشن شد که پنج روز پس از کودتا، برکنار و سپس دستگیر شد. دادگاه، ۳۰ سال زندان برایش برید و جایگاهش در ارتش پس گرفته شد. او چون تندرستی‌اش با دشواری روبرو شده بود در ۲۴ دسامبر ۱۹۸۸ پس از شش سال زندان، آزاد شد.

جیمه میلانز دل بوش (۱۹۱۰-۱۹۹۷)

سرتیپ بخش سوم ارتش، او یکی از رهبران برجسته‌ی کودتا بود که فرمانروایی ارتشی را در والنسیا بکار گرفت و تانک‌ها را در شب ۲۳ فوریه به خیابان‌ها آورد. در ژوئن ۱۹۸۲، دادگاهی و به سی سال زندان و از دست دادن جایگاهش در ارتش کیفر داده شد. «میلانز دل بوش» سرانجام در یکم ژوئیه ۱۹۹۰ آزاد شد. او در ۲۶ ژوئیه ۱۹۹۷ درگذشت و در سردابه‌ی «آلکازار تولدو» به خاک سپرده شد، زیرا او در میانه‌ی جنگ درون‌کشوری در اسپانیا برای نگهداری از این سردابه، جنگیده بود.

آنتونیو تخرو مولینا

زاده‌ی ۱۹۳۲، سرهنگ دوم ارتش درون شهری، او در ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ با رهبری گروهی از نفرتاش، نمایندگان مهستان را برای ۱۸ ساعت گروگان گرفت. او برای شورشی که کرد، به ۳۰ سال زندان کیفر داده شد و آخرین نفر از کودتاجیان بود که از زندان آزاد شد و پانزده سال و نه ماه در آنجا ماند. بیشتر این زمان در دژی به نام فیگراس (خرونا) بود. او در ۲۵ فوریه سال ۲۰۲۶ در سن ۹۳ سالگی درگذشت.



یورش به مهستان نمایندگان: «همه بایستید!» (آنتونیو تخرو)

ساعت ۱۸:۰۰ روز ۲۳ فوریه ۱۹۸۱، همه‌پرسی برای برگزیدن «لئوپولدو کالوو-سوتلو» در جایگاه نخست‌وزیر در مهستان نمایندگان آغاز شد. اندکی پس از آن، ساعت ۱۸:۲۳، یورش «دوکه د آهومادا» آغاز شد که در آن، ارتش درون شهری به رهبری سرهنگ دوم آنتونیو تخرو با فریاد «همه بایستید!» رخ داد. نخست‌وزیر، سپهد مانوئل گوتیرز ملادو از جای خود برخاست و به تخرو دستور داد که راه درست را در پیش بگیرد و دست از این کار بکشد! سپس تخرو با او درگیر شد و با شلیک هوایی، گفته‌ی خودش را دوباره فریاد زد. نمایندگان بر روی زمین پناه گرفتند، اگرچه، تنها «گوتیرز ملادو»، نخست‌وزیر آدولفو سوارز و رهبر گروه سیاسی دیگر «سانتیاگو کاریو» سر جای خود ایستادند. با گذشت زمان، ترس و دل‌شوره، نمایندگان مهستان را که تا بامداد روز پسین نتوانستند به آزادی دست یابند، فرا گرفته بود.



سرهنگ دوم آنتونیو تخریو، در هنگام دومین همه‌پرسی برای برگزیدن «لئوپولدو کالوو سوتلو» در جایگاه نخست‌وزیری، تفنگ به دست وارد مهستان نمایندگان شد.



مهستان نمایندگان پس از همه‌پرسی همگانی ماه مارس ۱۹۷۹

همه‌پرسی مهستان در یکم ماه مارس ۱۹۷۹ در اسپانیا برگزار شد و نخست‌وزیر آدولفو سوارز با به دست آوردن ۱۶۸ گزینش نمایندگان در آن پیروز شد. گروه سیاسی پیروز پس از او، سوسیالیست‌های اسپانیایی (PSOE) به رهبری «فیلیپه گونزالس» بودند که با گزینش ۱۲۱ نماینده روبرو شدند بر همین پایه، آدولفو سوارز و گروه سیاسی او، توان نگهداری یک دولت یک‌دست و پایدار را نداشتند. افزون بر آن، آسیب‌یورش‌ها گروهک خودگردان‌خواه باسک ETA، دولت را با دشواری بسیاری روبرو کرده بود و این چالش‌ها، سرانجام دولت سوارز را به فروپاشی کشاندند.

در این فرتور، نمایندگان از جایگاه خود بلند شده‌اند و به جایی نگاه می‌کنند که سرهنگ دوم، آنتونیو تخریو، از نیروهای ارتش درون شهری، در مهستان را شکسته است تا به زور درون شود.



سرهنگ دوم، آنتونیو تخرو به همراه دویست نیروی همراه خود، دارد تلاش می‌کند تا همه چیز را در مهستان نمایندگان در دست خود بگیرد.



مانوئل گوتیرز ملاد (۱۹۱۲-۱۹۹۵) ارتشی و سیاستمدار اسپانیایی، در ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ دستیار نخست‌وزیر و یک سیهبد ارتش بود. او با سرهنگ دوم، آنتونیو تخرو روبرو شد و با او درگیر هم شد. سپس، چند رگبار گلوله به سقف برخورد کرد. در این زمان، آدولفو سوارز به یاری او رفت. سوارز یکی از چهره‌های کلیدی در گذار اسپانیا به مردم‌سالاری بود. او در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۵ در سن ۸۳ سالگی در یک رخداد رانندگی درگذشت.



نخست‌وزیر، آدولفو سوارز کوشش می‌کند به مانوئل گوتیرز ملادو یاری برساند، آن‌گاه که او به دست گروهی از کودتاچی‌ها در برابر فریادهای آنتونیو تخرو دستگیر شده است.



نقش برجسته‌ی رسانه‌های همگانی: رسانه‌ها در شب کودتا نقش برجسته‌ای را بازی کردند و شتابان، خبرها را به به دست خوانندگان و شنوندگان خود رساندند. همچنین، کودتای ۲۳ فوریه نخستین کودتا در جهان بود که زنده از رادیو گزارش شد. در آن شب، روزنامه‌های "ال پاپیس" و "دیاریو ۱۶" نسخه‌های ویژه‌ای را هم‌رسانی کردند که درباره‌ی رخدادهای کشور آگاهی رسانی می‌کردند. نکته‌ی برجسته این بود که سوپه‌گیری رسانه‌ها، همراهی با مردم و مردم‌سالاری نوپای کشور بود. بسیاری از اسپانیایی‌ها از همین راه از آنچه در مهستان نمایندگان داشت رخ می‌داد، آگاه می‌شدند. این خبرها به دست رسانه‌های جهانی نیز می‌رسیدند.



### تانک‌ها در خیابان‌های والنسیا

کمی پس از آن که سرهنگ دوم، آنتونیو تخرو، با رهبری گروهی از ارتش درون شهری، در ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ مهستان نمایندگان را به دست گرفت، «خایمه میلانز دل بوش»، فرماندهی بخش سوم ارتش، که دربرگیرنده والنسیا، مورسیا و کوئکا بود، پشتیبانی از کودتا را به آگهی مردم رساند و لشکر تانک‌ها را با ۱۸۰۰ نفر سرباز به خیابان‌های والنسیا فرستاد. «میلانز دل بوش» کوشش کرد تا دیگر فرماندهان ارتش را نیز به انجام همین کار برانگیزد، لیک در این کار شکست خورد.



نیروهای ویژه شهربانی (GEO)، با فرماندهی نیروهای وفادار به قانون بنیادین کشور، از بیرون مهستان به انجام فرمان‌های کشوری سرگرم بودند.



پیرامون مهستان در شب کودتا



در ساعت ۱:۱۴ بامداد ۲۴ فوریه، پادشاه اسپانیا در تلویزیون، در جامه‌ی یک سپهبد میهنی ارتش نمایان شد تا از قانون بنیادین کشور پشتیبانی کند. او در جایگاه فرماندهی همه‌ی نیروهای ارتشی، فرمانش را داد و درخواست میلان دل بوش را برای پشتیبانی از کوتا را نپذیرفت.

پیام پادشاه «خوان کارلوس»، شب ۲۳ و ۲۴ فوریه ۱۹۸۱

«در این زمان ویژه در کشور، بسیار کوتاه و چکیده به همه‌ی اسپانیایی‌ها: از همه درخواست آرامش و آسوده‌دلی دارم. به همگی آگهی می‌دهم که به فرماندهان ارتش در همه‌ی بخش‌ها، از فرماندهان نیروی دریایی و زمینی گرفته تا نیروی هوایی، فرمان‌های نیازین را داده‌ام. پس از آنچه که در کاخ مهستان رخ داده است و برای جلوگیری از هرگونه سردرگمی، با پافشاری به همه مردم آگهی می‌دهم که به کشورهای ارتش فرمان داده‌ام تا با هر ابزار و شیوه‌ای برای پایبندی همه‌ی نیروها نمودن به قانون بنیادین کشور در چارچوبی که اکنون هست تلاش کنند و همه‌ی کارها باید با فرماندهی ستاد نخست ارتش هماهنگ باشد.

مردم، تاج و تخت، نماد پایداری و یکپارچگی سرزمین مادری است و هیچ‌گونه نمی‌تواند کار یا نگرش کسانی را که کوشش می‌کنند به زور روند مردم سالاری را زیر پا گذاشته‌اند، بپذیرد.»



دولت گذار به دست دستیاران: ساعت نه شب بیست و سوم فوریه ۱۹۸۱، پس از یورش به مهستان نمایندگان، وزیر کشور از برپایی یک دولت کوتاه زمان با همکاری دستیاران نخست همه وزارتخانه‌ها، به رهبری فرانسیسکو لاینا، سرپرست امنیت کشور، خبر داد. این دولت ویژه با فرماندهی ستاد نخست ارتش هماهنگ شد.



شهروندان خبرهای یورش به مهستان را در نزدیکی یک باجه‌ی روزنامه‌فروشی دنبال می‌کنند.



مهمان‌سرای «پالاس» در خیابان «سن جرونیمو»، روبروی مهستان نمایندگان در مادرید در زمان کودتای نافرجام ۲۳ فوریه ۱۹۸۱، پایگاه نیروهای مردم‌سالار شده بود. کشورداران، چهره‌های سیاسی و بسیاری از خبرنگاران در آنجا، چشم به راه رخداد‌های تازه بودند. گاردیا سیویل، سپهبد خوزه آرمابورو توپت و بازرسی نخست شهرداری، سپهبد خوزه سائز د سانتاماریا، از آنجا فرمان‌های خود را هم‌رسانی می‌کردند. همانا، سرلشکر آلفونسو آرمادا، که در آینده در جایگاه یکی از کودتاچی‌ها گناه‌کار شناخته شد، از مهمان‌سرای پالاس بیرون رفت تا با سرهنگ دوم آنتونیو تخرو درباره آتش‌بس گفت‌وگو کند.

پایان کودتا: پیام به‌هنگام پادشاه خوان کارلوس کودتا را خاموش کرد. در شب ۲۴ فوریه، او با جامه‌ی یک سپهبد ارتش در تلویزیون نمایان شد و کودتاچیان را گناه‌کار شمرد. سپس از ساعت ۶ بامداد، سپهبد خایمه میلانز دل بوش، پس از فرمان به بازگشت تانک‌ها و سربازان در والنسیا به پادگان‌ها، جایگاه فرماندهی خود در والنسیا را واگذار کرد.

لشکر زرهی بروننه، در مادرید، آنگونه که کودتاچیان می‌خواستند، بسیج نشد و سپهبدان ارتش به پادشاه و قانون بنیادین کشور وفادار ماندند. در مهستان، ساعت نه بامداد همان روز ۲۴ فوریه، سرهنگ دوم تخرو آتش‌بس را در پیمانی به نام "پیمان هود" که به دست سپهبد آلفونسو آرمادا بر روی بدنه‌ی یک خودروی ارتشی دستینه شده بود، پذیرفت. در این پیمان‌نامه آمده بود: هیچ‌گانه‌ی به ستوان‌های ارتش و نیروهای پایین‌تر آنها بسته نخواهد شد. این دادخواست که سرهنگ دوم ادواردو فوئنتس گومز د سالازار در آن همیاری داشت، از سوی ستاد فرماندهی ارتش پذیرفته شد.





خوزه لوئیس آرامبورو توپته (۱۹۱۸-۲۰۱۱)

سپهبد آرامبورو توپته سرپرست ارتش درون شهری بود، جایگاهی که از آوریل ۱۹۸۰ تا آن زمان در دست داشت. او به قانون بنیادین کشور وفادار ماند و فرماندهی و رهبری برنامه‌های ارتش برای پایان دادن به یورش به مهستان را به انجام رساند.

خوزه سائز د سانتاماریا تینچور (۱۹۱۹-۲۰۰۳)

بازرس نخست شهرانی به نیروهایش فرمان داد تا گرداگرد ساختمان مهستان را که نمایندگان در آن به گروگان گرفته شده بودند، فرابگیرند. در آینده، سخنان او در دادگاه، سپهبد میلانس دل بوش را دشمن او کرد. زمانی که او تلاش برای کودتا را همچون ربودن یک هواپیما خواند و میلانس در واکنش به او گفت: «از تو بسیار بیزار شدم، من از این جا می‌روم». او که در سال ۱۹۸۲ به جایگاه سپهبدی رسید، سرپرست نخست گاردیا سیویل در دولت گروه سیاسی کارگران سوسیالیست اسپانیا شد.





دومین سرپرست ستاد ارتش، سپهبد آلفونسو آرمادا (دومین نفر از چپ) و سرپرست نخست گاردیا سیویل، سپهبد خوزه آرامبورو توپت (سومین نفر از چپ)، در پیرامون ساختمان مهستان، هنگام گفت‌وگو برای آتش‌بس با سرهنگ دوم آنتونیو تخرو دیده می‌شوند.



ساعت ۱۱:۴۵، نمایندگانی که از شب پیش در مهستان مانده بودند، آزادانه از ساختمان بیرون می‌آیند.



النا ماریا مورنو، نماینده‌ی گروه سیاسی UCD، دارد از مهستان بیرون می‌آید.



سرپرست یکم مهستان نمایندگان، گرگوریو پچس باربا، پس از آزادی به همراه دیگر نمایندگان و کشورداران بیرون از ساختمان مهستان.



نونا اینس ویلارینیو سالگادو، دستیار گروه سیاسی UCD، بیرون از مهستان، دلداری داده می‌شود.



پادشاه دون خوان کارلوس به همراه نخست‌وزیر آدولفو سوارز (نفر یکم از چپ) و رهبران برجسته‌ی نیروهای سیاسی مهستان نمایندگان.

"All the News  
That's Fit to Print"

# The New York Times

LATE CITY EDITION

Weather: Occasional rain, wind today;  
rain or wet snow tonight and tomorrow.  
Temperature range today 35-46;  
yesterday 37-43. Details on page B11.

VOL. CXXX... No. 44,869

Copyright © 1981 The New York Times

NEW YORK, TUESDAY, FEBRUARY 24, 1981

Printed in the United States of America

15 CENTS



Leonid I. Brezhnev addressing the Soviet Communist Party Congress.

## BREZHNEV PROPOSES TALKS WITH REAGAN TO MEND RELATIONS

Keynote Speech to Party Congress  
Avoids Confrontation — Haig  
Displays 'Interest' in Plan

By B. W. APPLE Jr.

MOSCOW, Feb. 22 — Leonid I. Brezhnev, the Soviet leader, today proposed a meeting with President Reagan as a key element in "an active dialogue" designed to halt a deterioration in relations between the United States and the Soviet Union.

"Experience shows that the crucial link here is meetings at the summit level," Mr. Brezhnev said in a keynote

speech of more than three hours opening the 26th Congress of the Soviet Communist Party. "This was true yesterday, and it is still true today."

(In Washington, Secretary of State Alexander M. Haig Jr. said the United States was "very interested" in the Soviet proposal and would study it "very, very carefully." Page A5.)

Mr. Brezhnev spoke in the glass and marble Palace of Congress in the Kremlin before some 4,000 party delegates and foreign Communist leaders at the start of the two-week party convention. The session will continue a new Soviet five-year plan and other domestic and international policies for the first half of the 1980's.

The tone of Mr. Brezhnev's remarks about relations with the United States was restrained, he emphasized, no confrontation.

"Since the change of leadership in the White House, candidly believe calls and statements have been received from Washington, especially designed, as it were, to poison the atmosphere of relations between our two countries," he said. "We would like to hope, however, that those who shape United States policy will ultimately manage to see things in a more realistic light."

Mr. Brezhnev spoke in the glass and marble Palace of Congress in the Kremlin before some 4,000 party delegates and foreign Communist leaders at the start of the two-week party convention. The session will continue a new Soviet five-year plan and other domestic and international policies for the first half of the 1980's.

The tone of Mr. Brezhnev's remarks about relations with the United States was restrained, he emphasized, no confrontation.

"Since the change of leadership in the White House, candidly believe calls and statements have been received from Washington, especially designed, as it were, to poison the atmosphere of relations between our two countries," he said. "We would like to hope, however, that those who shape United States policy will ultimately manage to see things in a more realistic light."

Mr. Brezhnev spoke in the glass and marble Palace of Congress in the Kremlin before some 4,000 party delegates and foreign Communist leaders at the start of the two-week party convention. The session will continue a new Soviet five-year plan and other domestic and international policies for the first half of the 1980's.

The tone of Mr. Brezhnev's remarks about relations with the United States was restrained, he emphasized, no confrontation.

"Since the change of leadership in the White House, candidly believe calls and statements have been received from Washington, especially designed, as it were, to poison the atmosphere of relations between our two countries," he said. "We would like to hope, however, that those who shape United States policy will ultimately manage to see things in a more realistic light."

Mr. Brezhnev spoke in the glass and marble Palace of Congress in the Kremlin before some 4,000 party delegates and foreign Communist leaders at the start of the two-week party convention. The session will continue a new Soviet five-year plan and other domestic and international policies for the first half of the 1980's.

The tone of Mr. Brezhnev's remarks about relations with the United States was restrained, he emphasized, no confrontation.

"Since the change of leadership in the White House, candidly believe calls and statements have been received from Washington, especially designed, as it were, to poison the atmosphere of relations between our two countries," he said. "We would like to hope, however, that those who shape United States policy will ultimately manage to see things in a more realistic light."

Mr. Brezhnev spoke in the glass and marble Palace of Congress in the Kremlin before some 4,000 party delegates and foreign Communist leaders at the start of the two-week party convention. The session will continue a new Soviet five-year plan and other domestic and international policies for the first half of the 1980's.

The tone of Mr. Brezhnev's remarks about relations with the United States was restrained, he emphasized, no confrontation.

"Since the change of leadership in the White House, candidly believe calls and statements have been received from Washington, especially designed, as it were, to poison the atmosphere of relations between our two countries," he said. "We would like to hope, however, that those who shape United States policy will ultimately manage to see things in a more realistic light."

Mr. Brezhnev spoke in the glass and marble Palace of Congress in the Kremlin before some 4,000 party delegates and foreign Communist leaders at the start of the two-week party convention. The session will continue a new Soviet five-year plan and other domestic and international policies for the first half of the 1980's.

The tone of Mr. Brezhnev's remarks about relations with the United States was restrained, he emphasized, no confrontation.

"Since the change of leadership in the White House, candidly believe calls and statements have been received from Washington, especially designed, as it were, to poison the atmosphere of relations between our two countries," he said. "We would like to hope, however, that those who shape United States policy will ultimately manage to see things in a more realistic light."

Mr. Brezhnev spoke in the glass and marble Palace of Congress in the Kremlin before some 4,000 party delegates and foreign Communist leaders at the start of the two-week party convention. The session will continue a new Soviet five-year plan and other domestic and international policies for the first half of the 1980's.

The tone of Mr. Brezhnev's remarks about relations with the United States was restrained, he emphasized, no confrontation.

"Since the change of leadership in the White House, candidly believe calls and statements have been received from Washington, especially designed, as it were, to poison the atmosphere of relations between our two countries," he said. "We would like to hope, however, that those who shape United States policy will ultimately manage to see things in a more realistic light."

Mr. Brezhnev spoke in the glass and marble Palace of Congress in the Kremlin before some 4,000 party delegates and foreign Communist leaders at the start of the two-week party convention. The session will continue a new Soviet five-year plan and other domestic and international policies for the first half of the 1980's.

## SPAIN'S RIGHTIST CIVIL GUARDS SEIZE PARLIAMENT AMID VOTE ON PREMIER; BULK OF ARMY SAID LOYAL TO REGIME



Gen. Antonio Tejero Molina, one hand raised and a pistol in the other, after leading an assault by Civil Guards on the Spanish Parliament. The attack came as the legislators were voting on a new Prime Minister.



Former Prime Minister Adolfo Suarez, left, going to the defense of Deputy Prime Minister Manuel Guterres Melado, who was being grabbed by one of the strikers during the takeover of the Congress of Deputies.

## KING DENOUNCES MOVE

### General in Valencia Region, Backing Revolt, Orders State of Emergency

By JAMES M. HARRISMAN

MADRID, Tuesday, Feb. 24 — A group of Civil Guards seized the lower house of Parliament yesterday and took most of the country's leaders as hostages.

Members of the Congress of Deputies were completing a vote to approve Spain's new Government when scores of Civil Guards burst in. With many of the guards firing long bursts from automatic weapons, the legislators were ordered to lie on the floor.

"Shut up!" one of the guards shouted as he pointed to his gun. "These things work!"

At least 147 members of the Congress of Deputies and a number of senators were in the chamber. Despite the gunfire, no one was reported injured.

Television Station Seized

At about the same time, army troops with tanks briefly took control of the state-run television station outside Madrid, and the head of the Valencia military region in the east, Gen. Jaime Milans del Bosch, proclaimed a state of emergency in his command.

The move by the general and by the leader of the plot in Madrid, Gen. Antonio Tejero Molina of the Civil Guard, both rightists apparently unopposed with television and the granting of emergency to Spain's region, appeared aimed at igniting a national military uprising.

But early this morning there were no signs that other military units had joined the rebellion. King Juan Carlos, a military man by training and Commander in Chief of the armed forces, appeared on television after the sprawling studio complex was retaken by loyal troops.

Pledges Faith in Democracy

Wearing full-dress uniform replaced with medals, he denounced the seizure of Parliament and pledged his faith in democracy. "The crown, symbol of the permanence and unity of the fatherland, cannot tolerate in any form actions or personal attitudes that constitute an encroachment by force on the democratic process," he declared.

He warned all military commanders to heed orders from the Joint Chiefs of Staff, who had earlier issued a statement saying they had taken "necessary measures to repress any attempt against the Constitution and to re-establish the order that is sacrosanct."

The seizure of the great stone building in the heart of old Madrid occurred shortly after 4 P.M. as the members were meeting the end of a midday vote on the

Continued on Page A6, Column 1

## State Dept. Says Salvador Rebels Get Fewer Arms

By JUAN DE ONIS

WASHINGTON, Feb. 22 — State Department officials said today that a campaign by the United States had apparently slowed the infiltration of what it describes as Soviet-bloc arms shipments through Nicaragua to guerrillas in El Salvador.

At the same time, the department made public a special report accompa-

nying the report, which said that the number of arms shipments to the rebels had declined.

The report, which was prepared by a separate volume of 19 documents to support its charges that Cuba, the Soviet Union and other Communist countries had organized a "well-coordinated, covert effort" to bring down El Salvador's military-backed Government and "impose in its place a Communist regime with no popular support."

The department said the documents had been captured from Salvadoran guerrilla commanders by Salvadoran Government forces.

Documents Tell of Arms Pipeline

The special report, entitled "Continuing Interference in El Salvador," was the State Department's public version of confidential memorandums that the Reagan Administration has shown allies in Western Europe and Latin America during the last week.

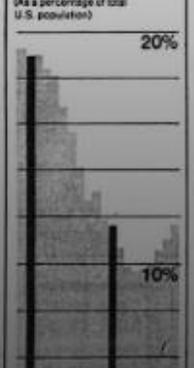
Citing supporting documents, the report said nearly 200 tons of arms had been smuggled to El Salvador through a pipeline reaching from Vietnam, Ethiopia and Eastern Europe to Cuba and Nicaragua. This, it said, was the final transit

Continued on Page A6, Column 1

## 1980 Census Shows 17% Growth Of Blacks Surpassed Rise for U.S.

### Black Population 1790-1980

(As a percentage of total U.S. population)



By ROBERT REINHOLD

WASHINGTON, Feb. 22 — The nation's black population grew by 17 percent in the last decade, far faster than the 11 percent overall increase in the American population, the Census Bureau reported today.

In all, the number of blacks expanded from 22.1 million to 26.5 million between 1970 and 1980, meaning that the black proportion of the American population grew from 11.1 percent to 11.7 percent. The country's total population in the 1980 census was about 228.3 million, up from about 205.2 million in 1970.

Census officials said that the figures were the result of both an actual increase among blacks, whose birth rate has consistently exceeded that of whites, and improved counting procedures in black neighborhoods.

Comparison With 1970 Difficult

The figures for blacks were part of provisional racial and Spanish-origin population counts from the 1980 census, made public today. Except for blacks, however, the Census Bureau said it was impossible to compare the figures with those of previous years because of major changes in the way the census was performed.

For example, the white population was listed at 196.2 million in 1980, up only 6 percent from 177.7 million in 1970. This appeared to show that the white portion of the population dropped to 83.2 percent from 87.3 percent. In fact, however, this was mostly an artificial decline, largely because millions of whites, mostly of Hispanic background, apparently misread their census questionnaire and de-

## New York's Senate Votes to Raise Welfare Grants 15%

By RICHARD J. NEILIN

ALBANY, Feb. 22 — After more than two hours of sometimes emotional debate, the Republican-led State Senate voted today to give welfare recipients a 15 percent increase in the basic grant that they receive each month.

The vote was 34 to 24. Broad support from Democrats was supplemented by Republican moderates and anti-abortion conservatives who backed Senator John J. Marchi's call to "recognize the plight of the needy, but of the needy."

The bill would increase the basic public assistance grant for a family of four to \$264 a month. The current basic grant of \$230 was fixed in 1974, to reflect the 1973 cost of living, and has not been increased since then. Under the Senate plan, whose chief sponsor was the majority leader, Warren M. Anderson, Republican of Southampton, the state would pay the increase of the increase.

The measure now goes in the Democratic-dominated Assembly, whose leaders have

indicated they will wait for Governor Carey to negotiate his differences with the Senate before taking action. The Governor wants an increase of 10 percent this year and 10 percent next year, with local governments picking up part of the cost.

Senator Marchi, a Staten Island Republican, wagged his index finger at his colleague and jumped his eyebrows up and down as he stated those who opposed an increase despite years of inflation. "It's not 1973 anymore," he declared. "What do I say to little Tommy or little Mary, age 8 or 9? What do I say — 'Shut up, small fry, it's 1973 because the Legislature says it's 1973?'"

But other legislators argued that lowering the welfare grant would hurt the State's economy, by discouraging welfare recipients from looking for work by being drawn to other states in search of jobs.

"We're going to drive laborers out

### INSIDE

Bankers Cut Prime Rate	1.25
Oil	27.75
Gold	375.00
Wheat	3.00
Corn	2.00
Cotton	50.00
Beans	10.00
Wool	17.00
Sheep	2.00
Iron Ore	20.00
Steel	2.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00
Aluminum	1.00
Copper	1.00
Zinc	1.00
Nickel	1.00
Lead	1.00
Silver	1.00
Platinum	1.00
Palladium	1.00
Rhodium	1.00
Iridium	1.00
Osmium	1.00
Antimony	1.00
Vanadium	1.00
Chromium	1.00
Manganese	1.00
Iron	1.00
Steel	1.00



لئوپولدو کالوو سوتلو پس از برگزیده شدن در جایگاه نخست‌وزیر تازه، در کنار آدولفو سوارز (راست)، مانوئل گوتیرز ملادو (نفر دوم راست) و خوزه پدرو پرز یورکا (چپ) آفرین نمایندگان را دریافت می‌کند.



نمایندگان، ایستاده، از جایگاه خبرنگاران برای شادباش گفتن برای کار خودشان، دست می‌زنند.



لئوپولدو کالوو سوتلو:

دو روز پس از کودتای نافرجام ۲۳ فوریه ۱۹۸۱، نخست‌وزیر شد و در زمان کار او، کسانی که در کودتای نافرجام دست داشتند، دستگیر و کیفر داده شدند. او تا زمان برگزیده شدن فیلیپه گونزالس سوسیالیست در سال ۱۹۸۲ در جایگاه خود ماند. او که در ۱۴ آوریل ۱۹۲۶ در مادرید زاده شده بود. پس از کار در چندین جایگاه در هر دو دولت UCD و دستیاری نخست‌وزیر در کارهای اقتصادی، نخست‌وزیر شد. برجسته‌ترین برنامه‌ای که او در درازای ۲۱ ماه کار خود در پیش گرفت، پیوستن اسپانیا به نیروی ناتو بود. او همچنین با درگیری گروهک باسکی ETA، رویداد روغن سمی و پذیرش قانونی درباره‌ی زندگی زناشویی روبرو شد. او در سال ۱۹۸۷ از سیاست کنار کشید و یک سال پس از آن، در روز سوم مه ۱۹۸۸ درگذشت.



بیش از یک میلیون نفر در اسپانیا در یک راهپیمایی به نام «برای آزادی، مردم سالاری و قانون بنیادین کشور» گرد هم آمدند، این راهپیمایی به رهبری نیروهای سیاسی پس از ۲۳ فوریه فراخوان داده شده بود. در این فرتور، آگهی بزرگی در ستایش پادشاه خوان کارلوس یکم دیده می‌شود.



Rapporteur judge, Luis Vivas Marzal, begins the reading of the final sentence of the indicted for the 23F Coup of February the 23rd 1981.

دادرس دادگاه، لوئیس ویواس مارزال، رسیدگی به گناه کودتاچیان ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ را آغاز می‌کند.



4-90916 →12A →13

4-90917 →13A →14

4-90918 →14A →15

4-90919 →15A →15



4-90923 →19A →20

4-90924 →20A →20

4-90925 →21A →22

4-90926 →22A →23



4-90920 →16A →17

4-90921 →17A →18

4-90922 →18A →19



4-90912 →12A →13

4-90913 →13A →14

4-90914 →14A →15

4-90915 →15A →16

4-90915 →15A →16



«برلبه‌ی سنگ میان سکوت زمین و وسوسه باد، لحظه‌ای شکل می‌گیرد که نه فقط پرواز، بلکه اعتماد به بی‌کرانگی است. تقابلی صخره و بال، روایت دیرینه‌ی ماندن و رفتن است؛ جایی که طبیعت بی‌هیچ کلامی شکوهی خود را واگذار به آسمان می‌کند»

صادق رودشتی @sadeghroodashti

فروردین ۱۴۰۴، خوزستان اطراف مسجد سلیمان

این عکس برای من بهترین عکس سالی که گذشت بود، چون فقط ثبت یک پرواز نیست، بلکه، ثبت یک لحظه‌ی ناب و غیره قابل تکرار در طبیعت است. این لحظه، نتیجه‌ی صبر و مشاهده بود و نه شانس! برای من صداقت و بی‌دخال بودن صحنه، ارزش اصلی این عکس به شمار می‌آید.



توری از: شهین صادقی shahin.sadeghi190



«صورت‌گر نفاش‌چین، صورت زنی زیباروی بر دیوار، با مژگانی سیه، دیده فرو بسته بر گذر زمان و جوانی، نقش زده، بی حرکت و ایستا زیر پوست شهر با خودرویی که زمانه، غدارجامه‌ای فرسوده بر تن او پوشانده است. در برابر هم‌اکنون، هر دو در سکوت و آرامش فرو رفته اند.»

شهین صادقی تاریخ عکس: فروردین ۱۴۰۴

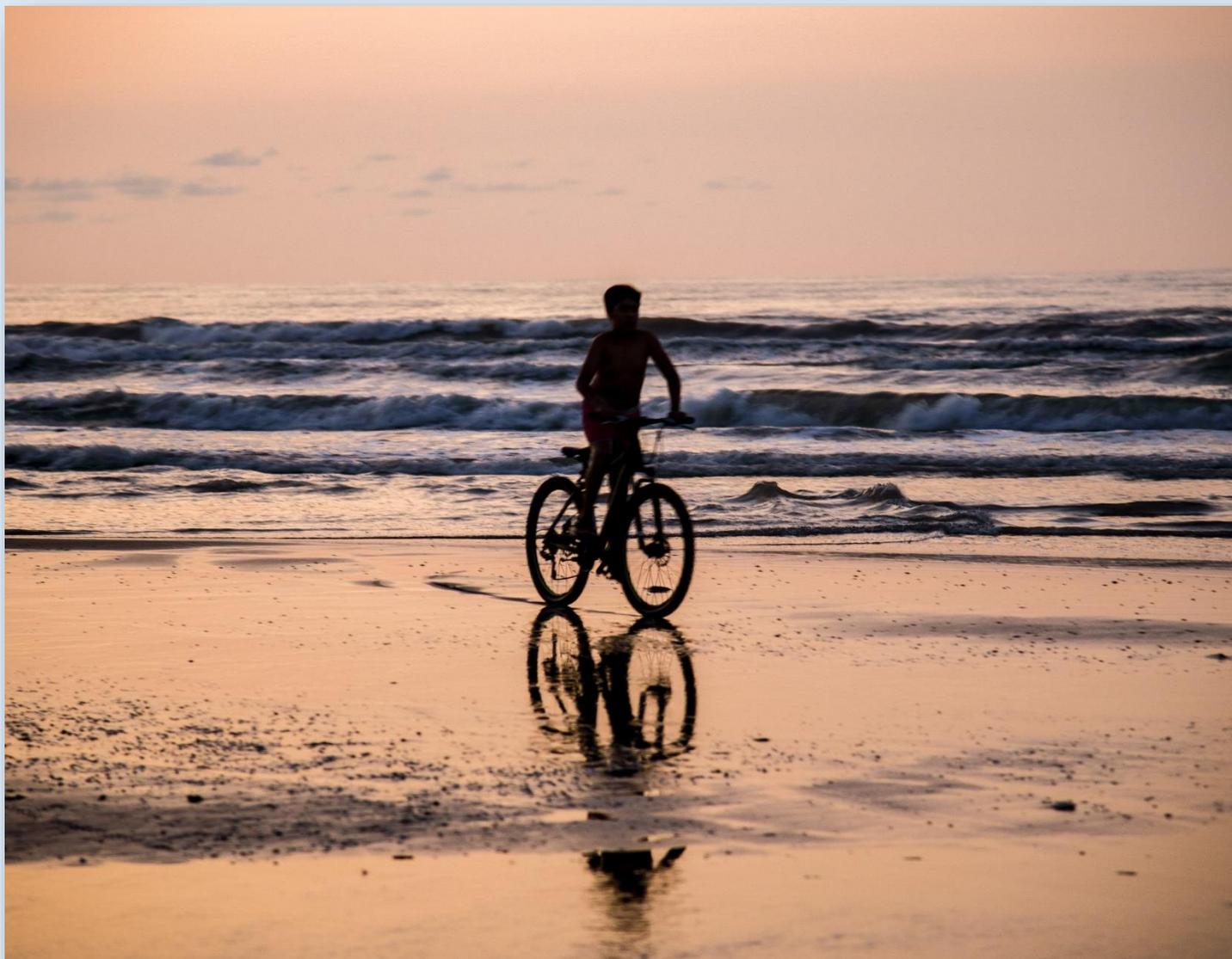
# از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی



@ecosky.photographer

کاری از: سوسن زارع

نام فرتور: سفر آغاز است



«من همیشه در جست‌وجو بودم، در جست‌وجوی ریشه‌ها، صخره‌ها، دریاها، آنجا که خورشید به دیدار دریا می‌رود یا هر کجا که ستارگان برمی‌آیند و به ما سلام می‌کنند. من همیشه زندگی را در جست‌وجو دیده‌ام، هرچند گاهی خسته و ناامید باشم....»

@ecosky.photographer

سوسن زارع

تیرماه ۱۴۰۴

ساحل خزر

## شکوفه عبدی

فرتورگری که در میانه‌ی خیزش مردمی در ایران، جاویدنام شد



در فرتورگری، گاه دمی فرا می‌رسد که مرز میان «تماشاچی» و «سوژه» فرو می‌ریزد. سرنوشت «شکوفه عبدی» پیامد یکی از همین دم‌های ویژه‌ی تاریخ فرتورگری است؛ هنرمندی که نه تنها به برداشت گواه و راستی‌های زمانه‌اش اندیشیده بود، که سرانجام، خود بخشی از همان گواه تاریخی زمانه‌اش شد.

شکوفه در روزگاری زیست که دوربین فراتر از ابزار زیبایی‌شناسی، چیزی برای برداشت راستی‌ها شده بود. در روزهایی که خیابان‌های بیشتر شهرهای ایران، پهنه‌ای برای نمایش ناخشنودی و دادخواهی مردم شده بود، اینکه فرتورگری دوربین به دست به این گستره پا گذاشته، خود یک ایستادگی آدمگرا و خاموش است؛ خواست او برای برداشت آنچه در خیابان‌ها میان مردم و سرکروب‌گران داشت می‌گذشت و نزدیک‌شدنش به دل رویدادها، هم دلیرانه بود و هم آگاهانه.

رویدادهای دی‌ماه ایران، گستره‌ای سراسر پر از تنش، ناآرامی و پیچیدگی پدید آورده بود. دمی که در آن، فشردن شاتر دوربین در دل رویداد می‌توانست گام نهادن درون کام مرگ باشد. در چنین بستری، شکوفه عبدی همچون بسیاری از فرتورگران راستی‌نما، در مرز باریک میان تماشا و نقیض میهنی هنرمند ایستاد؛ جایی که هر فرتوری که گرفته می‌شد، نه تنها برداشت یک رویداد، که چه بسا، می‌توانست گواهی تاریخی برای آیندگان باشد.

مرگ او در با شلیک گلوله به سرش، این مرز را بسیار غم‌بار در هم شکست. اکنون، آنچه به جای مانده، تنها مرگ یک فرتورگر نیست، خاموش‌شدن نگاهی است که می‌توانست روایت‌گر زمانه‌ای باشد که در آن زیست می‌کنیم. زندگی و مرگ شکوفه، ما فرتورگران و هنرمندان را با پرسشی بنیادین روبرو می‌کند: فرتورگری تا کجا نگرستن به رویداد است و از کجا دیگر بخشی از خود روایت می‌شود؟

در شیوه‌ی فرتورگری راستی‌نما، نام‌هایی هستند که با دلیری، پیگیری و بودن در دل رویدادها گره خورده‌اند، مانند رابرت کاپا! «شکوفه عبدی» هرچند شاید در فرتورگری یک نام جهانی و شناخته شده نبود، لیک، کارش به درستی در همین شیوه‌نامه جای می‌گیرد؛ در دنباله‌ی کار همه‌ی کسانی که باور دارند فرتور، می‌تواند یادمان همگانی سرزمینی را بسازد.

داستان شکوفه عبدی، تنها داستان یک زن جوان و مادر دو فرزند نیست؛ او یادآور نقیض هنرمندان در زمان پیچ‌های بزرگ تاریخی است. جایی که هنر، نه تنها بازنمایی، که خود هسته‌ی پایداری است و در این میان، هنرمند، نه بیرون از رویداد، که در دل آن ایستاده.

شکوفه عبدی، در پایان زندگی کوتاهش، همان چیزی شد که می‌خواست با کار هنریش آن را بسازد: گواهی برای ماندن در دل تاریخ!

کارگروه هنری ماهنامه انسل، فروردین ۲۰۸۵

# گذار، آشتی میهنی و فرتورها

دولت گذار سیاسی در آفریقای جنوبی (۱۹۹۴)

الگویی از کامیابی - روایتی از دگرگونی



زمان گذار: آنگاه که یک ساختار سیاسی فرو می‌ریزد

فروپاشی فرمانروایی آپارتاید در آفریقای جنوبی، تنها پایان یک ساختار سیاسی نبود؛ که آغازی برای «دیدنی تازه» بود؛ دیدنی دیگری، دیدنی تاریخ و دیدنی آینده. در چنین بزنگاهی، آنچه میان فروپاشی و پایداری نوپا می‌ایستد، «دولت گذار» است؛ هم‌چون، پلی میان گذشته و آینده.

در سال ۱۹۹۴، با برگزاری نخستین همه‌پرسی آزاد، ساختاری در آفریقای جنوبی پدید آمد که «دولت آشتی میهنی» نام گرفت؛ دولتی کوتاه‌زمان که نه برای زورآزمایی، که برای گذار از یک گسست تاریخی برنامه‌ریزی شده بود.



## چرا دولت گذار در آفریقای جنوبی بسیار کامیاب شد؟

پیروزی فرجامین این آزموده‌ی سیاسی را نمی‌توان تنها در لایه‌های کشورداری سنجد؛ همانا، باید آن را در سنجش میان «نیرومندی»، «یادمان» و «روایت‌های دیداری» هم دریافت.



### ۱. آشتی به جای زدایش

در بسیاری از گذارهای سیاسی، زدایش همه‌ی نیروهای پیشین، به درگیری می‌انجامد. هرچند که در آفریقای جنوبی، با رهبری خردمندانه‌ی «نلسون ماندلا»، رویکردی بهتر در پیش گرفته شد: هم‌زیستی در چارچوبی نو به جای پاکسازی.

### ۲. همکاری همگانی در ساختار گذار سیاسی

«دولت آشتی میهنی» دربرگیرنده‌ی نیروهایی از گروه‌های گوناگون بود. چه بسا، نمایندگان از ساختار پیشین هم با آن هم‌سو شدند. این همکاری همگانی، از فروافتادن کشور به جنگ درونی پیش‌گیری کرد و به گذار، نیرویی فراگیر بخشید.

### ۳. قانون بنیادین کشور در زمان گذار در جایگاه راهنمای راه برای همگان

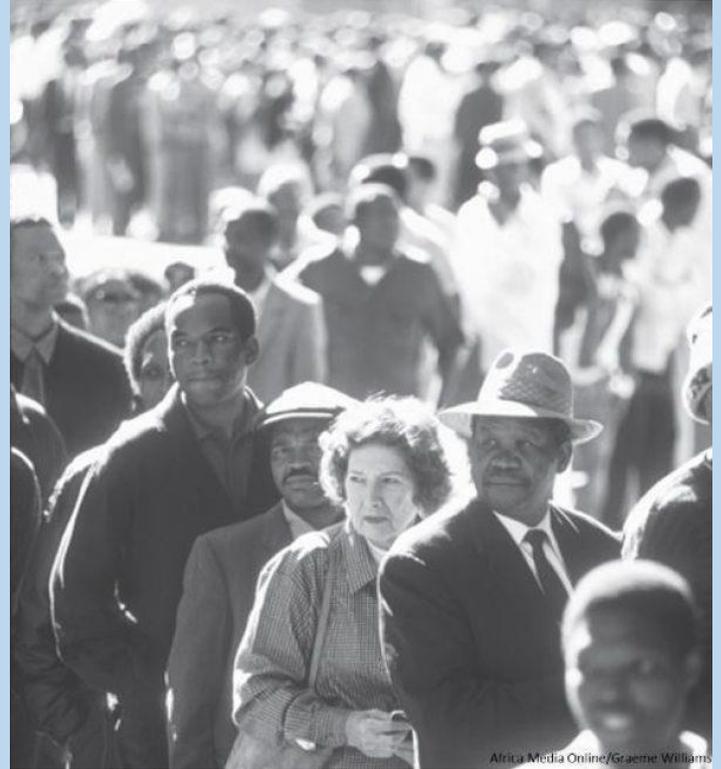
یک قانون بنیادین برای زمان گذار نوشته شد که:

- حقوق بنیادین را برای همه مردم پشتیبانی می‌کرد.
- راه فراهم‌سازی قانون بنیادین فرجامین برای کشور را روشن ساخته بود.
- و این‌چنین، گذار راستین، نه در نمان‌خانه، که در چارچوبی روشن برابر چشم همگان رخ داد.



#### ۴. برخورد با گذشته بی کین خواهی

کارگروه «راستی‌یابی رویدادهای تلخ گذشته و آشتی میهنی» بستری فراهم کرد تا دردها و ستم‌های روا داشته شده، روایت شوند، بی آن که چرخه‌ی کین‌خواهی بازسازی شود. این خواسته، از دیدگاه تاریخی، آدم‌گرایی و منش، یکی از جسورانه‌ترین کارهای انجام گرفته شده در تاریخ سیاسی جهان است.



#### ۵. پذیرش همگانی از راه همه‌پرسی

همه‌پرسی ۱۹۹۴ نه‌تنها یک رخداد بزرگ سیاسی، که یک «رویداد دیداری برجسته» بود: مردمی پرشور پای جعبه‌های همه‌پرسی، تن‌هایی که تاریخ روی آنها از خود نشانه گذاشته بود و نگاه‌هایی که با انگیزه‌ای بالا، آینده‌ای روشن را جست‌وجو می‌کردند...

### دستاوردها: از پایداری سیاسی تا بازسازی روایت‌ها

دولت گذار در آفریقای جنوبی توانست:

- از جنگ درون کشوری پیش‌گیری کند
- یک مردم‌سالاری چندنژادی را بنیان بگذارد
- قانون بنیادینی پیشرو فراهم کند. (یکی از بهترین‌ها در جهان)
- فرهنگ آشتی را جایگزین فرهنگ کین‌خواهی کند
- روایت میهنی تازه‌ای بسازد که در آن «دیگری» پاکسازی نمی‌شود، به همکاری فراخوانده می‌شود.

این دستاوردها تنها در لایه‌ی نهادهای کشور چکیده نشدند و در نمای فرتورها، یادمان همگانی و فرهنگ سرزمینی نیز پدیدار شدند.





## فرتورگری: برداشتِ دمهایی که تاریخ را دگرگون می‌کند

اگر دولتِ گذار، «پلی» میانِ دو ساختار است، فرتورگری، «یادمانی برای این پل» است.

فرتورگرانی که بر روی روزگارِ گذارِ سیاسی در آفریقای جنوبی کار کردند:

- دیوید گولدبلات David Goldblatt  
او با نگاهی ریزبینانه و آدم‌گرا، دگرگونی‌های زیستِ مردم را در میانه‌ی زندگی روزمره فرتورگری کرد. کارهای او نشان می‌دهند که گذارِ سیاسی چگونه در میان مردم گسترش پیدا می‌کند.
- پیتر ماگوبان Peter Magubane  
او سال‌ها پیش از فروپاشی آپارتاید، پایداری مردم را برداشت کرده بود و در زمانِ گذار، چهره‌ی امید را به آنها افزود.
- آلف کومالو Alf Kumalo  
او روایت‌گر زندگی سیاه‌پوستان در زمانِ سرکوب و سپس در زمانِ آزادی است؛ کارهای او پلی دیداری میانِ دو زمانه به شمار می‌آیند.
- جودی بیبر Jodi Bieber  
او با کانون شدن بر چهره‌ها، تن‌ها و شناسه‌ها، به بازنمایی مردم در بسترِ دگرگونیِ سیاسی پرداخت.

## فرتورگری و دولتِ گذار: پیوندی بنیادین میان این دو

در چنین روزهای درخشانی که آفریقای جنوبی داشت سپری می‌کرد، فرتورگران، فراتر از برداشتِ راستینه‌ها، گونه‌ای دستیار نیز شدند که با دولتِ گذار در ساختِ «یادمانِ همگانیِ سرزمینشان» همکاری می‌کردند.

- روایتِ دیداری در مردم همدلی و پذیرش پدید می‌آورد (نمایش شور مردم در روز همه‌پرسی)
- روایتِ دیداری، یادمانِ همگانی را می‌سازد (هم‌چون گواهی‌هایی برای کارگروهِ دادخواهی و آشتی میهنی)
- روایتِ دیداری، روایتِ کشورداران را یا به چالش می‌کشد یا آن را نیرومندتر می‌کند

برای یک فرتورگر، چنین زمانه‌ای «دمی سرنوشت‌ساز» است: دمی که ریختارِ هنری و درون‌مایه، به هماهنگی شگفتی می‌رسند.

## چرا دولت گذار در آفریقای جنوبی نمونه‌ای ارزشمند برای فرتورگران است؟

دولت گذار در آفریقای جنوبی نشان داد که:

- یک گذار کامیاب، روایت‌سازی دیداری کامیابی هم به همراه خودش نیاز دارد و آن کار فرتورگران است.
- آشتی میهنی، نه یک فریاد توخالی، که یک ساختار نهادینه شده است.
- و فرتورگری، یکی از ارزشمندترین ابزارهای برداشت، هم‌رسانی و چه‌بسا، بخشی از ساختار بنیادین گذارهای سیاسی است.

برای ما فرتورگران و روایت‌گران، آنچه در آفریقای جنوبی آزموده شد، یادآور یک ارزش است:

آنگاه که دگرگونی آغاز می‌شود، دیگر فرتور تنها یک برداشت ساده‌ی راستینه نیست، خود بخشی از گواه و تاریخ است.



از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی



نام فرتور: زیر پوست تهران      کاری از: مجید حلوایی      @majid\_halvaei



دختری در کنار خیابان، نتو می‌زند.

بهترین عکس من در سالی که گذشت است، چرا که امری عادی، در مکانی غیرعادی را نشان می‌دهد.

مجید حلوایی @majid\_halvaei

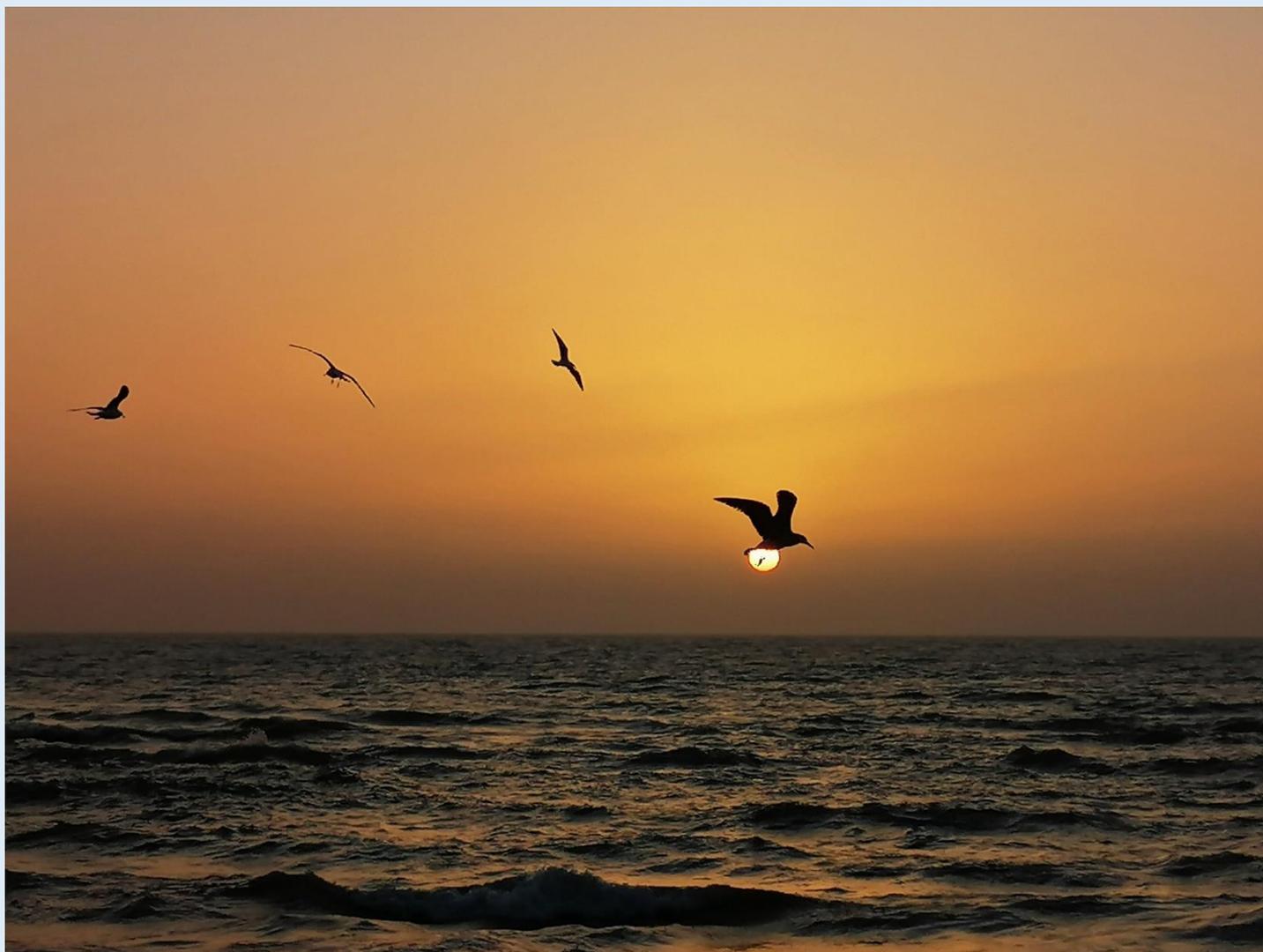
شهریور ۱۴۰۴

تهران

## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی



نام فرتور: آخرین پرواز نور      کاری از: ستاره صمدی      @ setarehsamadi



خورشید داشت می‌رفت، اما پرنده‌ها انگار مأمور بودند چیزی از امید را در آسمان نگه دارند؛ حتی اگر فقط برای یک نفس! این عکس بهترین انتخاب از عکس‌هایم در سالی که گذشت است، چرا که در خودش حسی از امید داشت.

ستاره صمدی @ setarehsamadi\_

بهمن ۱۴۰۴

## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی



نام فرتور: قلمزنی کاری از: سوگل غفاریان @ Sogol\_ghafarian



این عکس را در یک روز گرم تابستانی گرفتم، درحالیکه خیلی از جوان‌ها از گرما به جای خنکی پناه برده بودند، ولی این جوان هنرمند و کوشا مشغول انجام دادن مرحله‌ای از یک هنر دستی و قدیمی شهر اصفهان بود. هنوز هم در بازار، اشخاصی، هنر قلمزنی را انجام می‌دهند؛ اگرچه کمتر می‌توان جوان‌هایی را هم دید که به این کارها بپردازند. این یکی از برتری‌های این عکس در طول سال از میان کارهایم، برای برگزیده شدنش بود.

سوگل غفاریان @ Sogol\_ghafarian

۲۲ شهریور ۱۴۰۴

اصفهان

## روبینا امینیان

### از هنرآموزی تا مرگ، از جهان فرتور تا جاویدنامی



روبینا امینیان، ۲۳ ساله، دانشجوی هنر نقش‌نگاری پارچه و مُد، یکی از چهره‌هایی است که نامش از دل سرکوب خیزش مردمی دی‌ماه ۱۴۰۴ بیرون آمد. او پس از پایان آموزشش در دانشگاه در تهران به خیزش‌گران در خیابان‌های تهران پیوست. او تنها چند ساعت پس از آن، با شلیک گلوله‌ای به سرش، به پایان زندگی رسید.

خانواده‌اش برای یافتن پیکر او، ناچار شدند در میان انبوهی از پیکرهای جوانان، کهریزک را جست‌وجو کنند؛ نمایی که خود یادمانی غم‌بار در تاریخ نوین ایران شده است.

پیکر روبینا امینیان نه به خانه بازگشت، نه آنکه بخت آن را داشت تا با آیینی آرام همراهی شود؛ او به دشواری، در پیرامون شهر کرمانشاه به خاک سپرده شد.

روبینا، دانشجوی هنر بود و در رشته‌ای آموزش می‌دید که بی‌پیوند با هنر فرتورگری نیست، جهان خوش‌پوشی و پوشاک! این رشته، به‌گونه‌ای سراسرت با زبان دیداری امروز جهان پیوند دارد، چرا که هر جامه، یک سخن و نمایش است؛ ریختار و لایه‌ها، رنگ و سبک، همه در ساخت چهره‌ای از آدم‌ها در زیست پیرامونی خودشان نقش دارند.

در فرتورگری مُد، این پیوند به خوبی آشکار است. کارشناسان خوش‌پوشی در کنار فرتورگران، نورپردازان و تن‌های الگو، بخشی از یک سامانه‌ی یکپارچه برای نگاره‌سازی هستند. پوشاک، تنها یک تن‌پوش برای یک زن یا مرد نیست؛ همانا سازنده‌ی روایتی برای اوست:

- بافت‌های پوشاک، نور را می‌شکنند
- رنگ‌ها، دل‌مایه‌ی کار را می‌سازند
- ریخت‌ها، جنبش‌ها را سویه می‌دهند

از همین‌رو است که هنرمندی چون روبینا امینیان اگرچه پشتِ دوربین نبود، لیک، در جهان هنرهای دیداری می‌توانست نقش پررنگی داشته باشد. مرگ او تنها خاموش شدن یک زندگی نیست؛ گسستی در جهان هنرهای دیداری است. او می‌توانست بخشی از آن کسانی باشد که چهره‌ی تازه‌ای از تن، شناسه و زیبایی را در فرتورگری امروز ایران بازشناسی می‌کنند.

اکنون، آنچه از روبینا به جای مانده، نه کارهای هنری بی‌سرانجام او، که روایتی پایان نیافته است. روایتی که دیگر نه در کارگاه یا جشنواره‌های خوش‌پوشی و مُد، که در یادمان همگانی ایرانیان دست‌به‌دست خواهد شد.

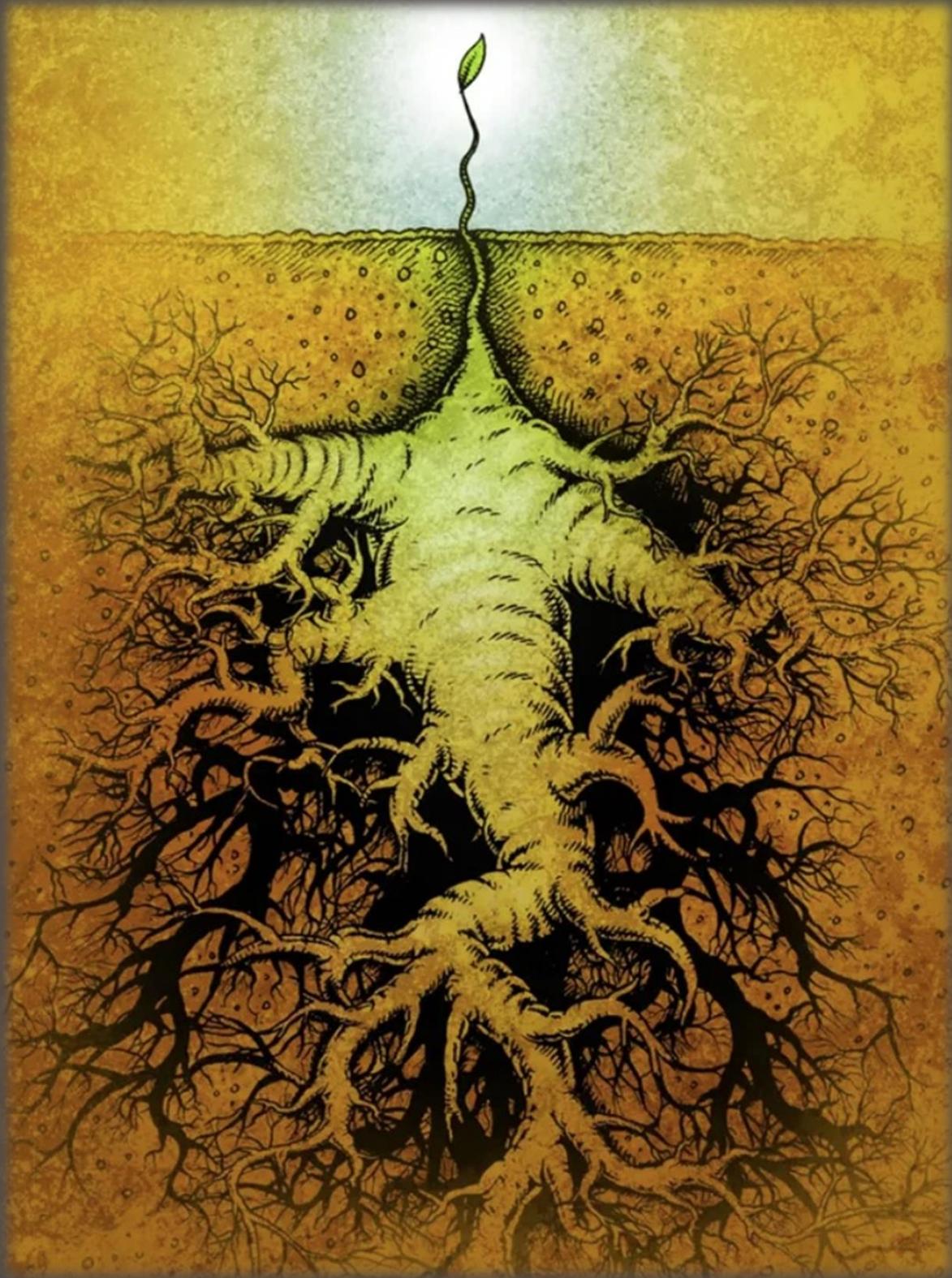
در پایان، شاید ارزشمندترین پرسش این باشد: آنگاه که یک دانشجوی هنر کشته می‌شود، آیا تنها یک آدم از میان می‌رود، یا بخشی از نمایی دیداری یک سرزمین هم با او خاموش می‌شود؟

کار گروه هنری ماهنامه انسل

فروردین ۲۵۸۵

# بخش نگارگری

## کاری از جمال رحمتی



# کره‌ی جنوبی ۱۹۸۷ و گذار به یک دموکراسی پایدار

آنگاه که خیابان‌های کره جنوبی تاریخ‌ساز شدند



در تابستان ۱۹۸۷، خیابان‌های شهر سئول دیگر تنها جایی برای گذر کردن نبودند؛ همانا، پهنه‌ای شدند که آینده‌ی کشور در آنها نوشته می‌شد. خیزش مردمی گسترده در کره جنوبی، آنچه در آینده به نام «خیزش مردم‌سالاری خواه ماه جون» شناخته شد، نه تنها ساختار سیاسی کشور را به چالش کشید، که کره جنوبی را به یک مردم‌سالاری پایدار رساند.

این گذار، تنها یک دگرگونی سیاسی نبود؛ روزگاری بود که «یادمان دیداری» و «خیابان» در آن به هم گره خوردند.

## پیش‌زمینه: پیشرفت کشور در نبود آزادی

در دهه‌ی ۱۹۷۰، کره جنوبی به دست «پارک چونگ‌هی» رهبری می‌شد. در زمان او، کشور پیشرفت اقتصادی شتابانی پیدا کرد. کارخانه‌سازی، پیشرفت بازرگانی بیرونی و پیدایش سازندگان بزرگ کره‌ای، کشور را از تهی‌دستی پس از جنگ به یک اقتصاد شکوفای جهانی رساند.

در همان دهه و هم‌زمان با کره جنوبی، ایران در زمان پادشاهی پهلوی نیز راه همانندی را می‌پیمود :

- نوسازی شتابان کشور
- گسترش پایدار زیرساخت‌ها
- افزایش درآمدهای نفتی

برای هر دو کشور، کره جنوبی و ایران، این پیشرفت شتابان با چالش‌های سیاسی همراه شد. اگر آغاز رویداد در آنها یک چیز بود، لیک، هر کدام با سرنوشتی گوناگون روبرو شدند.

## گسست‌ها: ۱۹۸۷ در برابر ۱۹۷۹

در کره جنوبی، مرگ یک دانشجو در بازداشت، آغازگر خیزش بزرگ مردم شد. گردهمایی‌های گسترده، دست از کار کشیدن‌های سراسری و فشار مردم به دولت، رهبری کشور را وادار به پذیرش دگرگونی کرد و به دنبالش:

- همه‌پرسی برگزار شد
- گستره‌ی سیاسی برای همگان باز شد
- نهادهای مردم‌سالار سر بیرون آوردند

در برابر آن، ایران در سال ۱۹۷۹ روند دگرگونی از راه دیگری دنبال کرد. به‌جای بهبود ساختار، فروپاشی رخ داد. شورشی که گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا را بر کشور فرمانروا کرد و به دنبالش، روند پیشرفت کشور را نابود کرد.

## فرتور در جایگاه گواه: فرتورگران گذار سیاسی در کره جنوبی

گذار سیاسی در کره جنوبی به‌خوبی فرتورگری شده است. این راستینه‌نمایی رویداد، خود بخشی از فرآیند مردم‌سالاری تازه بود.

### نوه سونتاگ Noh Suntag

از برجسته‌ترین فرتورگران راسینه‌نما در کره، که با نگاهی واکاوانه به پیامدهای خودکامگی در سیاست پرداخت. او فرتورهایی چندلایه از زندگی مردم پس از گذار سیاسی را کار کرد. با این فرتورها، نوه سونتاگ نشان داد که چگونه «گذشته» در «اکنون» نقش بازی می‌کند.





کو بونچانگ Koo Bohnchang

اگرچه امروز بیشتر به کارهای چیدمانش شناخته می‌شود، با این همه، بخشی از کارهای نخستین او با زندگی مردم و دگرگونی‌های فرهنگی کره در زمان گذار پیوند دارند. راه او در فرتورگری از شاخه‌ی راستینه‌نمایی آغاز شد و سپس به چیدمان و اندیشه‌گرایی رسید.

### فرتورگرانِ مگنوم Magnum Photos

برخی فرتورگران جهانی نیز گذار سیاسی در کره جنوبی را کار کرده‌اند. نماهایی از خیابان، گاز اشک‌آور و چهره‌هایی که میان ترس و امید ایستاده‌اند.

در این فرتورها، یک ویژگی یکسان دیده می‌شود:

پیکره‌های گروهی و هم‌سو در خیابان و چهره‌هایی که هنوز آینده را نمی‌دانند، با این همه، سرسختانه و دوشادوش برای آن ایستاده‌اند.



## گذار و پیشرفت: دو راه، دو سرنوشت



پس از ۱۹۸۷، کره جنوبی:

- نهادهای مردم‌سالار را پدید آورد
- اقتصاد خود را گسترش داد
- یکی از نیرومندان دانش و فرهنگ و بازرگانی در جهان شد

در برابر آن، ایران:

- با چالش‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی روبرو شد
- درگیر چرخه‌های بی‌پایان گرفتاری و دشواری‌های سیاسی و اقتصادی و مردمی شد
- بخش بزرگی از گنجایش پیشرفت خود را از دست داد و پس‌رفت کرد.



امروز: در سنجشی ناگزیر

لیک، تهران:

- هم‌چنان در کشاکش میان پیشرفت و پس‌رفت مانده است
- و در فرتورهایش، میان روایت دولتی با زیست راستین مردم، ناسازگاری گسترده‌ای دیده می‌شود

امروز، سئول شهری است که در آن:

- دانش، فرهنگ، و مردم‌سالاری هم‌زمان به چشم می‌خورند
- فرتور در آن، مانند بخشی از «یادمان همگانی» پذیرفته شده است

## آنچه گذارِ سیاسی می‌سازد و آنچه فرتور یادمان می‌کند

گذارِ سیاسی، تنها دگرگونی فرمانروایی کشور نیست؛ بازشناسی پیوند میان مردم، دولت، و یادمانِ دیداری همگانی است.

در کره جنوبی، این پیوند به‌سوی گشایش درها رفت و فرتورگری، ابزاری برای برداشت، واکاوی، و به‌یادسپاری شد.

شاید بارزترین آموزه این باشد که در زمانِ گذار، فرتورهایی که گرفته می‌شوند تنها برداشتِ تاریخ نیستند، که خود، بخشی از کارستانِ ساختن تاریخ یک کشورند.





## از میانِ فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: بازی ادامه دارد      کاری از: اسحاق آقایی      @eshagh\_aghaei



زمین خُشک و بافتِ خُشن در مقابل آسمانِ پر از ابرهای عظیم. این تضاد، یک حسِ شاعرانه می‌سازد: کوچکیِ انسان، بزرگیِ جهان... و در همان حال، بازی ادامه دارد!

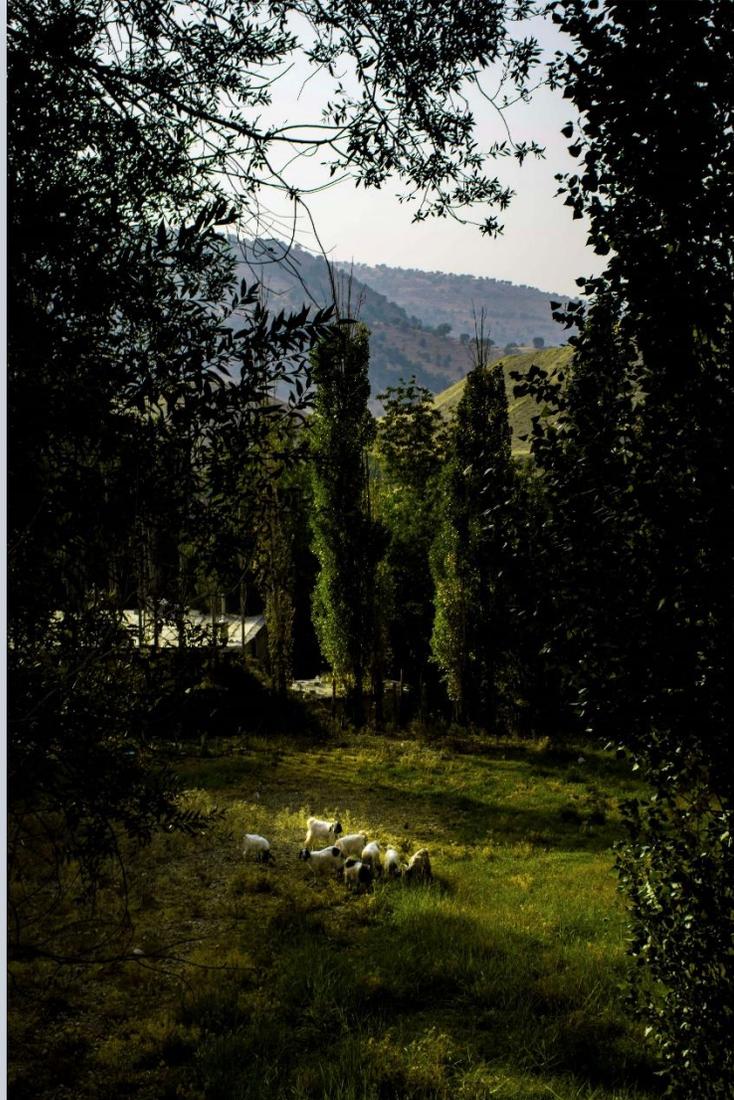
اسحاق آقایی @eshagh\_aghaei

روستای خدا آباد-سراوان-سیستان و بلوچستان



## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: میان نور و علف کاری از: محمد امین شفیعی



دگر بار در حال عبور از روستایی ناشناخته هستی، بر روی چمنزارهای سبز تابستانی، سفید جنبنده‌ای بازیگوش را در روزنه‌های شاخه و برگ درختان می‌یابی، کنجاو میشوی و پس از اندکی، چند بز را در حال علف خوردن می‌بینی. خورشید تابستان، نوری مضاعف به آنها می‌بخشد، لحظه‌ی خالص و دلنشین دیگری از تابستان.

علت بهترین عکس سال من شدنش، این است که از این صحنه در فصل مورد علاقه‌ام، یعنی تابستان، در حین گردشگری در مناطقی روستایی به عنوان تفریح مورد علاقه‌ام، از چند بز به‌عنوان حیوان مورد علاقه‌ام عکاسی شده است.

محمد امین شفیعی

تابستان ۱۴۰۴ خورشیدی



## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: دیوار نگاره‌ها      کاری از: مینتا سمیعی      @minta.sm



عکسی که می‌بینید را در اردیبهشت ۱۴۰۴ در شهر زیبا و تاریخی شیراز عکاسی کرده‌ام و دلیل اصلی من برای انتخاب آن، هنر دست و نقش‌نگاره‌های دیواری در این شهر است. به نظر من، نقش رنگ و قلم بر دیوارها می‌تواند فرهنگ شهر را به خوبی بازنمایی کند، به کوچه و خیابان‌های آن روحی زیبا هدیه کند و ذهن هنرمندان شاخص را در پایتخت فرهنگ و هنر هر کشور جاری سازد.

همینطور جدا از اینکه می‌خواستم فرهنگ و سنت یک شهر را نشان دهم، ترکیب‌بندی در هنر عکاسی را نیز در آن به خوبی یافته‌ام و این چنین است که این عکس می‌تواند چشم بیننده را درگیر قاب خود کند.

مینتا سمیعی @minta.sm

اردیبهشت ۱۴۰۴، شیراز

نوروز

## و یاد جاویدنامان خیزشِ میهنی ایران

خانواده‌ی جاوید نام امیرحسین شیخ‌بو با لبخندی تلخ، لیک، ایستاری پایدار و استوار بر مزار او



# فرتور داستان

میان رفتن

و

ماندن



پس از سال‌ها به کشور برگشته بود؛ جایی که زمانی آن را با هزار دل‌بستگی و آرزو رها کرده بود؛ بار سفر را بسته بود تا برای همیشه کوچ کند و برود. با خودش فکر کرد: راستی چرا من چنین کاری کردم؟

تلاش کرد خودش را جای همان دختر جوانِ سال‌های پیش بگذارد. همانی که روزی چمدانش را بست، همه‌ی وابستگی‌هایش را قیچی کرد و به سوی فرودگاه رفت؛ با این خواسته که دیگر برنگردد.

اکنون که خودش را جای او گذاشته بود، چرایش را می‌دانست؛ درکش می‌کرد. چون زخم‌خورده بود، هنگام رفتن، دلِ پُر خونی داشت. روزی را به یاد آورد که تنها برای پیدا کردن موهایش توی خیابان، او را به درون یک ون انداختند و با خود بردند. می‌خواستند به او «پوشیدگی» بیاموزند؛ «لیک، بر تن برهنه‌اش خندیدند». خنده‌هایی که مانند تیغ، ژرفای جانش را دید.

فردایش، مادرش شیون‌کنان خودش را رسانده بود بازداشتگاه. گواهی داد تا آزادش کردند؟ دیگر دختر سر به راهی می‌شود، درست مانند آنچه می‌پسندید! باید رفت درون چارچوبی که باورهای او نبودند، چیزهایی گنگ و بی‌سر و ته! آن روز، هجدهم دی بود که به سوی فرودگاه رفت.

---

پس از سال‌ها بازگشته بود. میانِ مخروبه‌های شهری که جنگ، از آن ویرانه‌ای ساخته بود. فرودگاهی که دیگر فرودگاه نبود، هواپیماهایی که دیگر پرواز نمی‌کردند. با بدنه‌هایی سوخته، پنجره‌هایی بی‌چشم، و یادهایی که هنوز در هوا سرگردان مانده بودند.

از کنار یکی از همان بدنه‌ها گذشت. نگاهش به گردی خالی پنجره‌ها افتاد و در یکی از آن‌ها، دمی کوتاه، چهره‌ی خودش را دید. نه آن آدم گیج و سرگردانِ امروز، که همان دختر جوانِ سال‌های پیش را...

دختری ایستاده «میان رفتن و ماندن». «فهمید: هرگز نرفته بود»، تنها در جایی میان زمین و آسمانش آویزان مانده، در همان پرواز شماره‌ی ۷۵۲ که به هیچ جا نرسید...

فرتور و داستان: رضا تجویدی



## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: حرکت فالمینگوهای دریاچه مهارلو کاری از: علی آذر @aliazar65



دریاچه‌ی مهارلو در نزدیکی شیراز در جنوب ایران، یک دریاچه‌ی نمکی صورتی رنگ است، که به خاطر رنگ‌های چشمگیر و الگوهای انتزاعی‌اش تحسین می‌شود. با این حال، این الگوهای زیبا و انتزاعی، ناشی از ورود فاضلاب شهری به دریاچه هستند و در کنار خشکسالی طولانی مدت و استفاده‌ی بیش از حد از آب‌های زیرزمینی، فعالیت‌های انسانی، این اکوسیستم شکننده را به چشم‌اندازی آسیب‌دیده و انتزاعی تبدیل کرده که حیات وحش و جوامع محلی را تهدید می‌کند. این مجموعه، دگرگونی‌های مهارلو را مستند می‌کند و توجه را به بحران فوری آب و محیط‌زیست جلب می‌کند.

چرا این عکس بهترین اثر من در سال ۱۴۰۴ خورشیدی است: این عکس از دریاچه مهارلو، لحظه‌ای را ثبت کرده که تا پیش از آن هرگز تجربه نکرده بودم، حتی پس از سال‌ها فعالیت در عکاسی مستند طبیعت ایران. در روزی که این تصویر را گرفتم، با یک مشکل فنی مواجه شدم: اتصال GPS دُزون از پرواز قطع شد. من کیلومترها در مسیرهای گل‌آلود دریاچه طی کرده بودم تا به موقعیت‌هایی برسم که قصد داشتم پوشش دهم. با تنها حدود یک ساعت و نیم نور باقی‌مانده تا تاریکی، فهمیدم باید سریع عمل کنم. به جای این‌که تسلیم شوم، تصمیم گرفتم پیاده به نقطه‌ای بروم که اینترنت داشت تا دوباره کنترل دُزون را به دست بیاورم. در تمام مسیر، به خودم می‌گفتم که این چالش بی‌فایده نیست. دقایقی پیش از تاریکی، به دریاچه بازگشتم و دُزون را پرواز دادم. آن لحظه بود که حرکت فالمینگوها روی دریاچه را در ترکیب‌بندی و نوری دیدم که تا آن روز هرگز ندیده بودم.

این تصویر بهترین اثر من است؛ زیرا نماد صبر، پشتکار و جادوی حضور در لحظه مناسب است، حتی در مواجهه با مشکلات غیرمنتظره! فراتر از ارزش زیبایی‌شناسی، این عکس، گواه داستان پشت خود است — تلاش، مسیر و زیبایی منحصر به فرد طبیعت دریاچه‌ی مهارلو که سال‌ها برای مستندسازی آن وقت گذاشته‌ام.

## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی



نام فرتور: مرد کوچک کاری از: سروش صالحی @Soroush.Salehi1386



پسرچه‌ای که در تصویر قابل مشاهده است، ۱۳ سال سن دارد و به خاطر فلج بودن پدرش، سرپرست خانه و نون‌آور خانواده‌ی خود است. او پس از ۲ سال زندگی بدون مدرک در کشور ایران، به زادگاه‌اش افغانستان برگشت داده شده بود. او با ۱۳ سال سن، مدت ۴ روز را همراه با پدرِ مفلوج و مادر و دو خواهر خود در نقطه‌ی صفرِ مرزی در کمپ مهاجرین بازگشت داده شده به سر برد و صبح روز پنجم، آنجا را ترک کرد و به سمت اتوبوس کابل پیاده رفت. در راه، داشت به دروازه‌ای که دیگر مهاجران بازگشتی از آن جا وارد کمپ می شدند نگاه می‌کرد، که من این تصویر را از او ثبت کردم.

چرا بهترین تصویر ثبت شده‌ی سال ۱۴۰۴ من است؟ چون در کنار ناراحتی و خستگی در چهره‌اش، هم‌زمان، رنج، کنجکاوی، فکر به آینده، امید و هرچیزی که می‌توان فکرش را کرد را هم در او دیدم، به‌جز بازیگوشی و شیطنتِ کودکی را! آن لحظه بود که فهمیدم مرد شدن به سن و سال نیست، بلکه به درک و فهم است، که حتی یک کودکِ ۱۳ ساله را تبدیل به مرد می‌کند..!

تاریخ ثبت تصویر: شانزده خرداد هزار و چهار صد، افغانستان

سروش صالحی @Soroush.Salehi1386



## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: خنده      کاری از: امیرعلی نواده شهلا      @amirnavadeh



این عکس را در شهریور ماه ۱۴۰۴ در بازار تاریخی شهر خوی در آذربایجان غربی گرفتم. بعد از مدت‌ها بود که خنده را در بازار برای دقایقی دیدم. پسر آن مرد که در سمت راست ایستاده، مغازه‌ی جدیدش را باز کرده بود و پدر، به رسم سنت قدیمی، در بین همسایگان شیرینی پخش می‌کرد و می‌خندیدند. به نظرم این یک اتفاق جذاب بود؛ همیشه، دیدن شادی و خنده از ته دل بین مردم، آرزوی من است.

امیرعلی نواده شهلا      @amirnavadeh

شهریور ۱۴۰۴، خوی، آذربایجان غربی

# شیلی

## روشنایی در مرز تاریکی

### فرتورگری در گذار سیاسی پس از خودکامگی پینوشه



گذار سیاسی در شیلی، نه با یک رخدادِ آنی، که با یک «همه‌پرسی مردمی» آغاز شد؛ هنگامی که در سال ۱۹۸۸، مردم میان «آری» و «نه» ایستادند و با گفتن «نه»، به دنباله‌ی فرمانروایی خودکامه‌ی «آگوستو پینوشه» پایان دادند. این گذار، نمونه‌ای نادر از یک جابجایی آشتی‌آمیز از یک فرمانروایی سرکوبگر به سوی مردم‌سالاری بود. لیک، آنچه در یادمان همگانی به جای ماند، تنها یک دستاورد سیاسی نبود، که «یادگار دیداری» این دگرگونی ویژه بود.

در شیلی، فرتورگری نه تنها برداشت رویداد، که بخشی از خود گذار سیاسی شد. در سال‌های پایانی فرمانروایی سرکوب‌گران، فرتورگران خیابانی و خبری، خیابان‌ها را پهنه‌ی رویارویی کردند: تن‌های آدم‌ها در برابر تانک‌ها، چهره‌ها در میان گاز اشک‌آور و دیوارهایی که با نگاره‌های رویشان، زبان پایداری را نمایان ساختند. فرتورهای گرفته شده، نه تنها گواه تاریخی، که ابزارهایی برای بازپس‌گیری روایت بودند.



در میان این فرتورگران، نام «کنا لورنزینی (Kena Lorenzini) برجسته است؛ فرتورگری که خیزش مردمی و زندگی روزمره در زیر سایه‌ی خودکامگی را با نگاهی نزدیک و آدم‌گرا برداشت کرد. فرتورهای او از زنان، دانشجویان و کنش‌گران، نشان می‌دهند که گذار سیاسی، پیش از آنکه در نهادها رخ دهد، در تن‌ها و خیابان‌ها آغاز می‌شود.

هم‌چنین «آلوارو هوپ» (Álvaro Hoppe) با انبوه فرتوری سیاه‌وسپید از خیزش‌گران و سرکوب‌گران، زبان دیداری ویژه‌ای از پایداری را پدید آورد. فرتورهایی که در آن‌ها، روشنائی و سایه به‌گونه‌ای در هم تنیده‌اند که گویی خود تاریخ در حال لرزیدن است.





و در لایه‌ی دیگر، کارهای «پاز ارازوریس» (Paz Errázuriz) نشان می‌دهد که گذار سیاسی تنها در خیابان‌ها رخ نمی‌دهد؛ او به سراغ پیرامون شهرها رفت و تَن‌هایی که از دیدگان همگان پاک شده بودند، مانند ترنس‌ها، بیماران روانی و کارگران فراموش‌شده. در این نگاه، گذار سیاسی نه تنها جابجایی فرمانروایی، که بازشناسی «آن‌هایی» است که پیش‌تر بختی برای دیده شدن نداشتند.

ارزش فرتورگری در این زمانِ گذارِ سیاسی، در سه لایه دریافت می‌شود:

نخست، در جایگاه «گواه»: فرتورها، آنچه را که زورگویان می‌خواستند پنهان کنند، برابر چشم همگان گذاشتند.

دوم، در جایگاه «رسانه»: این فرتورها در گاهنامه‌ها، نمایشگاه‌ها و سپس در بایگانی‌ها، به گردش درآمدند و یادمان همگانی را ساختند.

و سوم، در جایگاه «کنش»: در زمانِ سرکوب و خودکامگی، فرتورگری کردن گونه‌ای کنش و پایداری است.

در پایان، گذار سیاسی شیلی به ما یادآوری می‌کند که فرتور، تنها بازتاب تاریخ نیست؛ که در روزهای ویژه، خود بخشی از سازوکارِ دگرگونی است. آن‌گاه که مردم در مرز میان گذشته و آینده می‌ایستند، فرتور می‌تواند نه تنها آنچه هست را نشان دهد، که آنچه شدنی است را نیز بنمایاند.





## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: چادر کاری از: فرید آزادی @farid\_azadi



در تالار سایه‌های ممتد، آنجا که نور تنها برای نشان دادن تنهایی می‌تابد، زنی از جنس سپیده‌دم، میان ستون‌های سکوت ایستاده است؛ گویی او تنها حقیقت درخشان در راهروی بی‌پایان تردیدهاست.

فرید آزادی @farid\_azadi

شهریور ۱۴۰۴

## از میان فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی



نام فرتور: سبزه‌ی عید نوروز    کاری از: امید مهاجر    @OmidMohajer\_akas



هر ساله در روزهای پایانی اسفند ماه (شب عید) مردی میانسال و بازنشسته به جهت گذراندن اوقات فراغت خود، با درست کردن سبزه های گندم در ظروفی جالب و در عین حال پیش پا افتاده، اقدام به فروش سبزه‌های خود می‌کند، این در حالیست که مردم نیز مشتاقانه چشم انتظار می‌مانند تا نیمه‌ی دوم اسفند ماه شود و برای سفره‌های هفت‌سبب عید نوروز از او سبزه خریداری کنند. حتی گاهی برای جلب بیشتر مشتری، از دانه‌های خوراکی دیگری مانند (عدس، ماش و شاهی) نیز، سبزه‌های شکیل و جذابی به عمل می‌آورد.

تنها دلیل و حسن بارز او نسبت به دیگر کسبه‌ی بازار، لبخند همیشگی و خوش‌قلبی‌اش بود که ثبت تصویرش را برای من، خاص و زیباتر جلوه داد.

امید مهاجر    @OmidMohajer\_akas



## از میانِ فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: شادی واقعی      کاری از: شهین باخویشی      @shehinbakhishi



عکاسی خیابانی را دوست دارم. تیرماه بود و ایام پُرسه زنی در کوچه پس کوچه های سنندج....

هنوز کودکانی هستند که بازی را در کلیک نمی‌جویند؛ در دویدن و پریدن می‌جویند. این عکس سند مقاومتِ شادی واقعی در برابر دنیای مجازی است. اینجا شادی با خط و رنگ معنا می‌شود، نه با وای‌فای و دانلود

در زمانه‌ای که بچه‌ها معتادِ فضای مجازی هستند و بازی‌های محلی و درون محله یادشان رفته است، دیدنِ چنین صحنه‌ای لذت‌بخش و امیدوار کننده است.

شهین باخویشی      @shehinbakhishi

تیر ۱۴۰۴، سنندج

# نویسندگان همراه با فرتورگران

واسلاو هاول (Václav Havel)

از دریچه‌ی دوربینِ فرتورگرانِ خیزشِ مخملي چک



«واسلاو هاول» ناگزیر بود در جهانی زیست کرد که زبان، پیش از آن که ابزار سخن گفتن باشد، ابزار پنهان‌سازی بود. او در سال ۱۹۳۶ در پراگ زاده شد؛ در خانواده‌ای فرهنگی که با آغاز فرمانروایی کمونیست‌ها، جایگاه و دارایی‌های خود را از دست داد. این دگرگونی ناگهانی، او را از همان جوانی با شکاف میان «آنچه گفته می‌شود» در سنجش با «آنچه هست» آشنا کرد؛ شکافی که در آینده، هسته‌ی اندیشه و نگارش‌های او شد.

هاول راه خود را نه از سیاست، که از نمایش آغاز کرد. نمایشنامه‌های او، مانند «مهمانی باغ» و «یادداشت»، جهانی را پندار می‌کردند که در آن، واژه‌ها تهی شده‌اند و آدم‌ها در شبکه‌ای از زبانی پوچ گرفتارند. او نشان داد که چگونه زورگویی، از راه زبان، راستینه را برابر چشم آدم‌ها دگرگون می‌کند. لیک، این نگاه تنها در پهنه‌ی نمایش نماند. در سال‌های سرکوب، او یکی از چهره‌های برجسته‌ی «منشور ۷۷» شد و بهای آن را با سال‌ها زندان پرداخت.

برای هاول، نوشتن، گونه‌ای کُنشگری بود. کُنشی در برابر دروغ ساختاریافته. در جستار شناخته‌شده‌اش به نام «زورمندی سست‌پایگان»، او از زیستن در «راستینگی» سخن گفت: اینکه چگونه کُنش‌های کوچک روزمره می‌توانند پایه‌های یک فرمانروایی را به لرزه درآورند. این اندیشه، در سال ۱۹۸۹، هنگامی که خیابان‌های پراگ از خیزش‌گران پر شد، به گونه‌ای دیداری نیز پدیدار گشت.

در «خیزش مخملی»، فرتورگران هم‌زمان با هاول، به برداشت این دگرگونی پرداختند: چهره‌هایی که در میان انبوهی از مردم ایستاده بودند، دستانی که کلیدها را در هوا می‌جنباندند، و دم‌هایی که در آنها، هراس، آرام‌آرام جای خود را به امید می‌داد. در این فرتورها، همان چیزی دیده می‌شود که هاول در نوشتارهایش می‌جست: بازگشت ژرفا به زبان، و بازگشت صدا به مردم.

هاول، در همان سال، از دل این جنبش به جایگاه ریاست‌جمهوری کشور چک رسید؛ نه در جایگاه یک کشوردار چیره‌دست، که او نویسنده‌ای بود که توانسته بود میان زبان و زندگی پلی دوباره بسازد. این گذار، نه با درگیری، که با نمایش انبوه خیزش‌گران و دگرگونی آرام در اندیشه‌ها رخ داد.

در پیوند با فرتورگری، ارزش زندگی‌نامه هاول در این است که نشان می‌دهد گذار به مردم‌سالاری، تنها رخدادی سیاسی نیست، که یک دگرگونی در چگونه «دیدن» و چگونه «گفتن» است. همان‌گونه که فرتورگران، هنگامه‌های سرنوشت‌ساز را برداشت می‌کنند، نویسندگان نیز می‌توانند زبان را از نو بسازند؛ زبانی که دیگر نه برای پنهان‌سازی، که برای آشکار کردن به کار می‌رود.

در پایان، آنچه از هاول و فرتورگران آن روزها برجای می‌ماند، نه تنها گواه یک خیزش مردمی، که آزموده‌ای برای پیوند دوباره‌ی زبان با راستینه‌ها است، دمی که در آن، مردم‌سالاری، از لایه‌ی فریاد، به لایه‌ی زیست مردم نزدیک می‌شود.



**CANANA**  
presenta

SELECCIÓN OFICIAL DE CHILE AL OSCAR®

# NO

★★★★★  
"GAEL EN UNO  
DE LOS MEJORES PAPELES  
DE SU CARRERA"  
-THE HOLLYWOOD REPORTER

"DE LAS MEJORES  
SELECCIONES  
EN CANNES"  
-NEW YORK TIMES

**LA ALEGRÍA  
YA VIENE**

**CANNES**  
GRAN PREMIO DE LOS JURADOS  
GANADOR

**SAN SEBASTIÁN**  
HORIZONTES LATINOS

**LOCARNO**  
INT'L FILM FESTIVAL

**TORONTO**  
INT'L FILM FESTIVAL

**TELLURIDE**  
INT'L FILM FESTIVAL

**NEW YORK**  
INT'L FILM FESTIVAL

GAEL  
**GARCÍA BERNAL**

NOVIEMBRE 2012

CANANA presenta NOVIEMBRE 2012. DISTRIBUCIÓN: CANANA. CONTACTO: CANANA@CANANA.COM

CON EL APOYO DE: XOX, Twitter, Facebook, YouTube, participo, Puntos de Vista, D.F., d.v., M, T.V.I., A.D.M., M.I.M.

# بخش سینما و فرتورگری

## نگاهی به فیلم «نه» به کارگردانی پابلو لارن

در روایت‌های رایج از گذار سیاسی، خیابان، با تن‌ها، فریادها و برخوردهایی که در آن روی می‌دهد، هسته‌ی نخست نما است. با این همه، فیلم «نه» این هسته را جابه‌جا می‌کند: گذار، در این‌جا نه تنها در خیابان، که در کارگاه‌های ساخت تلویزیونی و چارچوب آگهی‌های بسیار کوتاه رخ می‌دهد. فیلم، روز تاریخی همه‌پرسی ۱۹۸۸ در شیلی را بازسازی می‌کند؛ جایی که کارزار «نه» در برابر دنباله‌دار شدن فرمانروایی آگوستو پینوشه، با استواری بر زبان دیداری و آگهی، تراز زورمندی را دگرگون می‌کند.

زبان دیداری: زمانی که ریخت هنری، تاریخ را روایت می‌کند

برجسته‌ترین خواست پابلو لارن، برگزیدن بافت دیداری U-matic برای فیلم‌برداری است. همانند بافتی که در دهه‌ی ۸۰ با نمایشی دانه‌دانه‌ای، رنگ‌های فرسوده و لبه‌های نرم همراه بود. این گزینش تنها یادآوری گذشته نیست؛ گونه‌ای از راهبرد است. مرز میان بایگانی و بازسازی کنار گذاشته می‌شود و تماشاگر دیگر به‌سادگی نمی‌تواند بگوید کدام نما «راستینه» است و کدام «بازسازی‌شده». فیلم نشان می‌دهد که راستینه‌ی تاریخی، با گزینش شیوه‌ی ساخت فیلم نیز آفریده می‌شود. نمای دیداری نه تنها بازتاب دهنده‌ی راستینه، که خود سازنده‌ی آن هم است.

آگهی با کارکردی سیاسی: چرخش از سوگواری به امید

کارزار «نه» در فیلم، آگاهانه از زبان همگانی آگهی‌ها (شاد، رنگی، آهنگین) بهره می‌گیرد. این گزینش، در نگاه نخست، سبک‌سرانه یا چه‌بسا، «بیرون از جهان سیاست» به دیده می‌آید؛ لیک، به درستی همین چرخش، کارکردی سراسر سیاسی دارد. به‌جای بازسازی تنهای درگیری‌ها، کارزار تلاش می‌کند تا نمایی از آینده‌ای شدنی را برابر چشم مردم بگذارد: لبخندها، رنگ‌ها، و امید برای بهتر زیستن. این همان زمانی است که فرتور و فیلم از «گواه» بودن فراتر می‌روند و کاری بزرگ می‌شوند. کاری برای ساختن نمای آینده.

فرتورگری و مرزهایی منش‌گرا در بازنمایی

فیلم «نه» پرسشی باریک را پیش می‌کشد: آیا دگرگون کردن رنج تاریخی به زبان نمایشی آگهی، کوچک شماری چیزی ارزشمند نیست؟ فیلم از پاسخ پایانی به این پرسش می‌گریزد و به‌جایش، میدان تنش را نگه می‌دارد. از دیدگاه فرتورگری، این همان دوگانه‌ی آشناست:

- ثبت رنج، همراه با هراس زیباسازی
- یا پرهیز از آن، با هراس از نادیده‌گرفتن آن

لیک، پابلو لارن راه سومی پیشنهاد می‌کند:

– بازنمایی امید، بی‌آنکه زخم‌های گذشته نادیده گرفته شوند.

## فرتور در جایگاه گُنشِ سیاسی و مردمی

فیلم «نه» فرتور را در سه لایه‌ی ارزشمند، به‌روشنی نشان می‌دهد:

- گواه: پیوندِ همیشگی با بایگانی و راستینه‌های تاریخی
- رسانه: گردش فرتورها در رسانه‌ها و کارسازی بر اندیشه‌ی مردم
- گُنش: فرتورگری کردن و پخش فرتورها، خود گُنشی سیاسی شمرده می‌شود

در این فیلم، دوربین تنها تماشاچی نیست؛ بازیگر و روایت پرداز هم است. آگهی‌های کوتاه، نه کنار سیاست، که در هسته‌ی جای می‌گرند.

### زمانی که می‌توان به تماشای آینده نشست

فیلم «نه» یادآوری می‌کند که گذار سیاسی، تنها با فروپاشی یک فرمانروایی آغاز نمی‌شود؛ آنگاه که آینده‌ای «بی آن» دیده شود، آغاز گذار رخ می‌دهد. فرتور، دیدنِ آینده را شدنی می‌کند: آینده‌ای که هنوز نیامده، لیک، در چارچوب‌های دیداری پندار می‌شود. برای فرتورگران، آموزه‌ی برجسته‌ی این فیلم روشن است: در بزنگاه‌های تاریخی، پرسش تنها این نیست که «چه رخ می‌دهد؟» این است که:

«ما فرتورگران چگونه آن را می‌بینیم و چگونه می‌توانیم آنچه را هنوز نیست، دیدنی کنیم.»











## نوروز بر مزار جاویدنامان راه آزادی میهن

صهبا رشتیان، داور دوم فوتبال زنان، ۲۳ ساله، در میانه‌ی خیزش مردمی ایرانیان در رویداد ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴ در شهر اصفهان با شلیک گلوله به پهلو، کشته و پیکر او پنجشنبه ۲۵ دی، به خاک سپرده شد. رشتیان که در هم‌آوردی‌های استانی فوتبال در اصفهان و هم‌چنین برنامه‌های ویژه برای فوتبال نوجوانان داوری می‌کرد. او در رشته‌های دوومیدانی و آمادگی‌های ورزشی هم بسیار پُرکار بود.



## از میانِ فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: زدپایِ زمان    کاری از: سودابه عربزاده    @sodabe.arabzade5069



باران می‌بارد

و زمان، آرام و بی‌صدا، از میان قاب عبور می‌کند.

مردی مسن،

با قدم‌هایی که سال‌ها راه رفتن را بلدند،

و کودکی که پشت سر او

یاد گرفته پا جای پای زمان بگذارد

زیر باران می‌روند..

خاطره‌هایی که خیس نمی‌شوند

این عکس، نه یک پیاده‌روی ساده، بلکه عبورِ عمر است؛  
کودکی که به سوی مرد شدن می‌رود و مردی که آرام‌آرام به  
خاطره تبدیل می‌شود.

و باران، شاهده‌ی ست بی‌طرف بر این رفتنِ مشترک در دو جهتِ  
متفاوتِ زمان

سودابه عربزاده    @sodabe.arabzade5069

آذر ۱۴۰۴ خورشیدی



## از میانِ فرتورهای رسیده برای ویژه نامه‌ی نوروزی

نام فرتور: شادی واقعی      کاری از: رضا تجویدی      @rezatajvidi



در زمانِ گذار، شهر گستره‌ی هم‌نشینیِ دو زبان از دو جهانِ گوناگون می‌شود: زبانِ بالا، سرشار از نویدها، آگهی‌ها و نگاره‌هایی از آینده‌ای که هنوز فرانسیده‌اند؛ و زبانِ پایین، آهسته، پراکنده و ریشه‌دار در زندگیِ روزمره‌ی مردمی که باید این آینده نوید داده شده را زیست کنند. بالای سر این شهروندانِ نشسته، آگهی‌های سیاسی از مردم‌سالاری سخن می‌گویند؛ از همکاری، برابری و دستاوردهایی که از راه خواهند رسید.

در گذار به مردم‌سالاری تنها با دگرگونی ساختارها روبرو نیستیم، ارزشمندتر از آن، دگرگونی پیوند میان مردم و نهادِ کشورداری است: آیا زبانی تازه می‌تواند به زیستِ روزمره‌ی شهروندان راه یابد؟ آیا آنچه بر دیوارها آگهی سیاسی می‌شود، به راستی برای مردم دسترسی‌پذیر خواهد بود؟ زن چمدان‌به‌دست، نمادی از کسانی است که «نه به جهانِ آگهی‌ها و نویدهای سیاسی و نه یک‌سره به آهنگِ آرام و پایدارِ زندگی» وابسته هستند. زن یک رهنورد است؛ مانند همان نیرویی است که گذار سیاسی را از لایه‌ی زبان به درونِ زیستِ مردم می‌کشاند.

این فرتور، دمی پیش از دستاورد را نشان می‌دهد: دمی که در آن، مردم‌سالاری هنوز دارد «آگهی‌رسانی» و «گفته» می‌شود تا درون مردم «زیسته» شود و پیروزیِ گذار به این بستگی دارد که آیا این دو، سرانجام، به یکدیگر خواهند رسید یا نه!

رضا تجویدی @rezatajvidi

پارلمان اروپا، بروکسل، تابستان ۱۴۰۴ خورشیدی

## عکس و ویژه



آنگاه که در سرزمینی نمادهای سرکوب فرو می‌ریزند، تاریخ روند تازه ای را برای مردمش آغاز می‌کند.



# Anselmagazine

به ما به پیوندید

..... نام:

..... نام خانوادگی:

..... زمینه هنری یا گرایش هنری:

..... راه پیوند با شما:

فرستاده شود به:

[info@anselmagazine.com](mailto:info@anselmagazine.com)





به یاد جاویدنامان حمید مهدوی و جعفر جاویدی

